



کارگران ایران

ارگان هیئت مؤسس کنفدراسیون کارگران ایران - شماره ۶ - آذر ۱۳۵۸

گوشه‌ای از تظاهرات ضد امپریالیستی کارگران مقابل سفارت آمریکا



در این شماره: ● ضرورت تشکیلات مستقل ● مبارزه ضد امپریالیستی
● اخبار و گزارش‌های از: ● راه آهن ● توشیای رشت ● شرکت وزنه
● ذغال سنگ زیراب ● مرغداران خراسان ● آبادان ● ساری و...

به یاری زلزله زدگان بشتاییم

زمین لرزه با ردیگر بخشی از محرمترین هم میهنان ما را بیخانمان نمود و عده کثیری از آنها را به هلاکت رساند و خانواده های زیادی را متلاشی کرد. وظیفه دینی، انسانی و میهنی به ما حکم میکند که با تمام نیرو به یاری آسیب دیدگان و بازماندگان قربانیان این حادثه برخیزیم.

هیئت موسس کنفدراسیون کارگران ایران، خود را عمیقاً در این مصیبت وارده با عموم ملت ایران و بازماندگان این حادثه شریک دانسته و از کلیه کارگران بخصوص کارگران عضو میخواهد که با تمام امکانات به یاری هموطنان خود بشتابند.

اطلاعیه فوق بیست و چهارم ماه گذشته به مناسبت وقوع زلزله خراسان از طرف دبیرخانه هیئت موسس کنفدراسیون کارگران ایران صادر شد.



افتتاح شعبه خوزستان

در جلسه افتتاحیه هیئت موسس کنفدراسیون کارگران ایران - بخش خوزستان که در تاریخ جمعه ۵۸/۸/۲۵ با حضور عده زیادی از کارگران در آبادان برگزار شد، در پایان جلسه قطعنامه ای به تصویب رسید که بخشهایی از آن را ذیلاً منتشر میکنیم:

"مردم مبارز ما تحت رهبری امام خمینی بهیچا خاسته اند. بها خاسته اند و او هر یمن افعی صفت محمد رضا شاه را از اینکه قدرت بزرگشیدند، بها خاسته اند و ضربه محکمی بر پیکر امپریالیسم آمریکا وارد آوردند بها خاسته اند و تا پیروزی کامل بر ابرقدرتها ی شرق و غرب بها طرح حفظ استقلال کامل مملکت از بها نخواهند نشست"

هما نظوریکه کارگران و زحمتکشان این مملکت ستون اصلی انقلاب شکوهمند اسلامی بود، ادا مه پیروز - مند آنها همعه کارگران و زحمتکشان میباشد. زیرا بقیه در صفحه ۲۷

تفصیح عمل اتحادیه کارگران بندری آمریکا

در اوج کشمکشهای ملت ایران و دولت آمریکا، خیرگزاری ها از قول اتحادیه کارگران بندری آمریکا اعلام کردند که تخلیه و بارگیری کشتی های ایرانی در بنادر غربی آمریکا را تحریم کرده اند. رئیس این اتحادیه همچنین گفت که هیچ کالایی به مقصد ایران بارگیری نمی شود و هیچ کالای وارده از ایران نیز تخلیه نخواهد شد.

هیئت موسس کنفدراسیون کارگران ایران این عمل اتحادیه به اصطلاح کارگری فوق الذکر را بشدت تفصیح میکند. و معتقد است که رهبری و فرماندهی این تشکیلات در دست سرمایه داران و انحصار کارگران امپریالیستی میباشد. زیرا هیچ کارگر شریفی در هیچ کجای دنیا در مقابل ملت مبارز ایران حاضر نیست از فرد جنایتکاری مانند محمدرضا پهلوی دفاع کند و در تحریم اقتصادی ایران به نفع امپریالیستها شرکت کند.

جلسات هفتگی

هر هفته روزهای یکشنبه ساعت ۸ بعد از ظهر در محل دبیرخانه هیئت موسس کنفدراسیون جلسات عمومی برگزار میشود. در این جلسات کارگران و خصوصاً نمایندگان کارگران بطور آزاد شرکت میکنند. بدینوسیله از کارگران دعوت میشود که در این جلسات جهت بحث و تبادل تجربه شرکت نمایند.

ما هنامه

کارگران ایران

سردبیر و مدیر مسئول بینا و شهرداری

نشانی: خیابان طالقانی (تخت

جمشید) بین حافظ و ممدق پلک

۱۲۲ - تلفن ۶۶۲۲۷۹

مبارزه ضد امپریالیستی را گسترش دهیم

به مناسبت اشغال لانه جاسوسی آمریکا

مقابله با محاصره اقتصادی، ما کارگران بیشتر از کلیه اقشار و طبقات دیگر زیر فشار خواهیم بود، چرا که عمده اقتصاد مملکت بدست ماست که میجر خود از کارافتادن این چرخ، سبب از کارافتادن نیروی با زوی ما خواهد شد. پس ما با تلاش بیشتر برای بالا بردن رشد تولیدات ملی و تکامل به نیروی خود و با وحدت و یکپارچه کردن صفوف خویش در تشکیلات مستقل کارگری میتوانیم دسائیس آنها را نقش بر آب کنیم. ما کارگران وظیفه خود میداریم پیشگام مبارزه علیه امپریالیسم بوده و همدوش تمام مردم قاطعانه این مبارزه را تا به آخر پیش ببریم.

امام خمینی:

" رابطه ما با آمریکا و شوروی مثل رابطه بره با گرگ است "

در این شرایط حساس، که انقلاب اسلامی کشور ما در معرض توطئه و خرابکاریها و ضد انقلاب قرار گرفته و جگیری مبارزات علیه امپریالیسم آمریکا مهم و ملی است. ما همگامی با رهادر سخنان ایشان گفته اند و همگامی با ملت ما در راهیما شایسته، نمازهای جماعت و در اجتماعات گوناگون با صدای بلند فریاد برآورده است. خطرات جانب دوا امپریالیسم شرق و غرب متوجه میهن ما است، این مسئله مهم را هرگز نباید از خاطر برد، کم نیستند مثالها شیکه شاهد غارتگریها و چپاولهای بر قدرت شرق هستند. به اطرافمان نگاه کنیم: هم اکنون در کشور همسایه ما، مردم دلیرو قهرمان افغانستان، در حال مبارزه با رژیم ضد مردمی حفیظ الله امین، نوکر سرسپرده امپریالیسم شوروی هستند. همین دولت شوروی است که همچون آمریکا در کردستان و خوزستان بوسیله نوکرانش لحظه ای دست از خرابکاری برنمیدارد. همین دولت است که گام را به ۱/۳ قیمت

لانه جاسوسی آمریکا اشغال شد. این خبر در روز یکشنبه ۱۳ آبان گذشته از طریق رادیو و تلویزیون در سراسر کشور پخش شد. تصرف سفارت آمریکا، آتش خشم و تنفر ملت را بر علیه این امپریالیسم شعله ورتر ساخت. مردم سراسر ایران از کار و گروکشا و رز گرفته تا کارمندان و زاریها فرستادن بیامها این عمل انقلابی را تأیید کردند. این اقدام که همراه با گروگان گرفتن کارکنان آمریکا شی این مرکز فساد و توطئه بود، ترس و وحشت بی اندازه ای را در دل جهانخواران انداخت. شدت یافتن مبارزه مردم این ابر قدرت خون خوار را بدست و پا انداخته بطوریکه از دولتهای دیگر خواستار میانه گیری شده است. این همان کشوری است که شاه مخلوع، قاتل صدها هزار ایرانی مبارز را به بهانه معالجه پناهداده است و یکی از مهمترین خواسته های دانشجویان مبارز و تظاهری می مردم میهنمان هم استرداد شاه مخلوع است، تا در پیشگاه ملت، درد آگاه انقلابیها کما کما گردد. مردم ما خواهان ادامه مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا تا کسب استقلال واقعی هستند. ملت ما میدانند که بدنبال این عمل، امپریالیسم آمریکا ساکت نخواهد نشست و به توطئه های مختلف از جمله محاصره اقتصادی دست خواهد زد. با پیش آمدن این شرایط مردم دلیر ایران تا پای جان در راه استقلال میهن و عدم وابستگی به بیگانه مبارزه خواهند کرد.

همانطور که در دوران دولت ملی دکتر مصدق ملت ما محاصره امپریالیسم انگلستان را به سلاح جراحی علیه آنها تبدیل کرد، ما هم نیز در سخنان نشان مردم را به ادامه این مبارزه دعوت کردند و آبرور ایران مقدم شمردند، چرا که خوب میدانند تا حیثیت و استقلال کشور حفظ نگردد، رفاه واقعی هم بوجود نمیآید. در

اعتراض به مذاکره خصوصی در وزارت کار

اینگونه منت ها نداریم .
 در اینجا آقای مالحي دست نماينده را گرفت و به
 اتاق ديگري برد و مدني با او صحبت كرد . وقتي
 برگشتند ، آقای مالحي گفت : ايشان اجازه
 برگرداندن شما را بزرگوار ندارند . کارگران به
 اين حرکت آنها اعتراض کردند که به چه حقي با نماينده
 کارفرما جلسه خصوصي تشكيل داده و سر خود تصميم
 گرفته اند . آقای مالحي گفت : مي خواستيم به
 توافق برسيم . کارگران گفتند که ما اين توافق
 را قبول نداريم .

کارگران از اينکه مراجع قانوني از کارفرما
 دفاع مي کنند نا راحت بودند و جلسه با اعتراض آنها
 به پايان رسيد .

جلسه بعد روز يكشنبه بود که تصميم گرفته شد چهار
 نفر از کارگران اخراجي بزرگوارند که کارگران
 اين تصميم را قبول نداشتند و قرار گذاشتند که به
 مراجع بالاتر مراجعه کنند .



بقیه مبارزه ضد امپریالیستی

بين المللی میخورد و در آزاي آن برای ما با مطلق جنعت
 مادر - ذوب آهن - را ساخته است ليکن کارخانه ای
 بما تحويل داده است که روزانه قریب یک میلیون
 تومان ضرر میدهد . پس مردم ما باید در حالیکه قاطعانه
 علیه امپریالیسم آمریکا مبارزه میکنند ، سایر
 امپریالیستها را فراموش ننمایند . نداشتن هشیاری
 در این مورد ما را با ده سالهای ۳۲ میاندازد . زمانیکه
 در نهضت ملی شدن نفت برهبری دکتر مصدق ، بر علیه
 امپریالیسم انگلیس ، نتوانستیم آگاهانه بر علیه
 امپریالیسم نوخاسته آمریکا نیز مبارزه کنیم و ملت
 ما مجبور شد که قاصص آن را با تحمل ۲۵ سال دیکتاتوری
 و جنایت و غارت خانوادہ ننگین پهلوی ، پس بدهد .
 این چنین است که از تاریخ کشورمان درس میگیریم
 و امروز در مبارزه ضد امپریالیستی بر علیه کلیه کشور
 های بیگانه غارتگر و بخصوص علیه بر قدرتهای شرق و
 غرب ، مبارزه میکنیم و با تکیه به نیروی میپایان
 مردم میهنمان و بخصوص زحمتکشان ، در ادامه انقلاب
 ملی و حفظ دستاوردهای آن میکوشیم .

از مدت ها پیش کارگران مرغ گدخدا در تدارک
 بودند که تشکيلات کارگري برای خودشان درست کنند ،
 اين امر با توطئه چيني کارفرما و بيرون کردن ۸ نفر
 از کارگران به بهانه اخلاکگري به عقب افتاد ، اين
 ۸ نفر کسانی بودند که کارگران چندتن از آنها را به
 عنوان نماينده ميخواستند انتخاب کنند .

در روز چهارشنبه ۱۶ آبان در اداره امور
 کشاورزی وزارت کار ، جلسه ای برای رسیدگی به
 وضع اين کارگران برگزار شد که در آن چندتن از
 کارگران اخراجي ، معاون مديرکل اداره کار و
 امور کشاورزی ، آقای مالحي و نماينده کارفرما و
 سرپرست مجتمع مرغ گدخدا حضور داشتند . در ضمن
 بعنوان پشتیبانی از کارگران اخراجي ، ۷۰ نفر از
 کارگران مرغ گدخدا در بخش قزوین نیز به اين اداره
 آمده بودند .

ابتدا آقای مالحي علت اخراج را پرسيد ، که
 نماينده کارفرما علت را ما زیاد بپراحتیاج ذکر کرد ،
 در صورتیکه قبلاً "علت را" اخلاکگري" ذکر کرده بود . در
 مورد ما زیاد بپراحتیاج بودن ، کارگران گفتند :
 بعد از اخراج ما ۸ نفر ، سه چهار روز بعد ۱۲ کارگر
 بطور موقت استخدام شدند . نماينده کارفرما از اين
 جریان اظهاری اطلاعی کرد و سرپرست گفت : اين
 عده کارگر سالن هستند و بهانه های ديگر آورد . ضمناً
 در بين ۷۰ کارگري که آمده بودند ، چند کارگر جديد
 حاضر بودند که خود را معرفی کردند ، در اینجا نماينده
 کارفرما بهانه های ديگر مثل اينکه پول نداريم و
 قرض داریم وغيره آورد . وقتي آقای مالحي خواست
 که کارگران بزرگوارشان برگردانده شوند ، نماينده
 کارفرما گفت : من اختیاری ندارم و فقط مسئوليت
 تسويه حساب را دارم .

کارگران گفتند تو که اختیاری نداری چرا
 آمدی ؟

نماينده کارفرما گفت : من ميتوانم از کارفرما
 خواهش کنم که شما را برگرداند . یکی از کارگران
 گفت : ما یک عمري بدون خواهش کار کردیم و از اين
 پس هم بدون خواهش زندگی می کنیم ، و احتیاج به

از حیب بخورد زیرا در زمان اشتغال در برابر هزینه و مخارج کم‌ترکن زندگی، بولی برای پس انداز باقی نمی‌ماند. در چنین شرایطی وقتی بحران بیکاری پیش می‌آید کارگران را چاره‌ای برای نجات از گرسنگی به کارهای سخت و کثیف با دستمزد ناچیز تن بدهد.

کارگران غل هم مجبور است از ترس اخراج و بیکار شدن شرایط طاقت‌فرسای کار را تحمل کند و به مزد کم قانع باشد. زیرا در زمان بحران بیکاری، وقتی یک کارخانه آگهی استخدا می‌دهد بلافاصله چند نفر داوطلب مراجعه میکنند. هر یک از کارگران داوطلب برای این که بیشتر شانس رفتن به سرکار را داشته باشد حاضر می‌شود که شرایط کار فرما را که کمترین مایه کثرت و به نفع اوست، در مورد دستمزد و ساعات کار و غیره بپذیرد.

بعنوان مثال در حال حاضر که نوعی بحران بیکاری در مملکت ما وجود دارد، در بسیاری از کارگاهها و کارخانجات و مخصوصاً در شهرستانها و مناطق دور از مرکز حتی حداقل دستمزد تعیین شده فعلی که ۵۶۷ ریال است پرداخت نمی‌شود. حال کارگری نداریم که دستمزد به هیچ وجه حوا بگوی مخارج سرما آورد. زندگی نیست.

در مورد پاشین بودن دستمزدها مخصوصاً وضع کارگران کشاورزی از همه بدتر است. آنها از پاشینا شام در شرایط سخت و با پاشینترین دستمزد که به دلخواه کارفرما تعیین می‌شود کار میکنند و تا زنده هر موقع که ما حیکار دلش خواست آنها را مرخص میکند. همان نظوری که گذشت، کارفرما خریدار نیروی کار است. و برای این که سود بیشتر ببرد، تا آنجا که بتواند کوشش میکنند مزد کمتری بپردازد. به همین دلیل از وجود بیکاری در جامعه لذت می‌برد و تا بتواند به آن - دامین میزند زیرا باعث پاشین ماندن سطح دستمزد میشود.

از طرف دیگر بحران بیکاری شرایط را برای او مساعد نمی‌کند که همین کارگران بیکار و شاغل نفاق بیندازد و با ایجاد دوستی هر طور که دلش خواست از کارگران کار بکشد و دستش هم برای اخراج آنها باز باشد.

بنا بر این معلوم است که بحران بیکاری فقط

بقیه در صفحه ۶

کارفرما از بحران بیکاری لذت می‌برد

مقاله‌ای در مورد بحران بیکاری و تا شیر آن بر مزدها

بحران بیکاری کنونی، مسلماً نتیجه تسلط طولانی امپریالیسم وارثیه ننگین رژیم وابسته شاه است. ولی بطور کلی بیکاری ناشی از انباشته سیستم سرمایه‌داری است و تا وقتی وجود دارد بیکاری هم بصورت دردی مزمن و علاج‌ناپذیر جزئی از آن است.

روشن است که با رستگین نتایج سوم و مصیبت‌بار بحران بیکاری در تمام زمین‌ها بیشتر از همه بر دوش کارگران است.

از جمله مسائل مهمی که به بحران بیکاری ارتباط نزدیک دارد و تحت تا شیر آن می‌باشد، دستمزد کارگران است. کارگر نیروی کار خود را با زای مقداری پول به کارفرما می‌فروشد. نیروی کار نیز مثل هر جنسی که خرید و فروش می‌شود تابع قانون عرضه و تقاضا است.

کارگران آنجا که بتوانند سعی میکنند نیروی کار خود را از آن نفروشد تا بتوانند ما بحتاً چ زندگی خود را خانواده‌اش را تامین کنند.

اما کارگر نمیتواند مدت زیادی بیکار بگردد و



کارگران راه آهن چه می گویند!

ترتیب اثر ندادند. تازه آمده اند زمین نوسوع ۱۳۰ تنی اش را سفارش داده اند. مونتاژگران و تکنیسینها یمان هم اعطای کرده اند که گران ها هم بدرد نخور باشند همگی در پیشگاه امام بخاطر این حیف و میلها تحمّن خواهند کرد.

در ادامه صحبت، کارگری میگوید: "بخاطر همین کارکنانها در حال حاضر تقریباً ۳۴۰ دستگاه دیزل خوابیده است."

نتیجه بی توجهی

علی اکبر رهبر متصدی قسمت شاسی در دلد میکند که نتیجه همه این بی توجهیها ایجاد بی علاقگی و کم کاری در کارها است که الان می بینیم راندمان ۵۰٪ پایین آمده است. ویکی از دلایل ماندن کالاهادر

بنا در همین است. وی از کلیه همکاران خود تقاضا داشت که در نگهداری اموال ملت بیشتر بکوشند.

در گفتگو با اعضای شورای آقای جگینی ضمن تأیید گفته های دوستانش اضافه کرد: "یکی دیگر از مشکلات ما در حال حاضر دخالت رؤسای مدیران در کار شوراها یمان است. "داود پناهی عضو دیگر شورا نظر خود را در همین مورد را شده کرده و گفت: "اصولاً شورا های کارگری باید از خود کارگران تشکیل و با فکر خود آنها اداره شود. و صرفاً به مسایل خود کارگران بپردازد. با توجه به این نظر ما حتی دو نفر را که دولت برای شورا معرفی کرده بود نیز بفرستیم.

در همین قسمت اکبر فرشته کارگری که حدود شش ماه از استخداش میگذشت گفت: "ما حدود ۱۱ نفری که بصورت روزمزد استخدا شده ایم. حقوقمان بعد از کسر بیمه و بازنشستگی... در حدود ۱۲۰۰ تومان میشود. خواست ما این است که به وضع استخدا می ما رسیدگی شود. همچنین وضع درمانی ما، چون با این دفترچه درمان اجتماعی که داده اند هیچکجا ما را قبول نمیکنند. چرا به ما بن خواروبار نمی دهند؟ در

نظر به اهمیت و نقش راه آهن در اقتصاد کشور ما و اینکه بیش از ۴۰ هزار نفر در قسمتهای مختلف آن کار میکنند لازم دیدیم گزارشی از وضع کارکنان این بخش داشته باشیم.

گزارش زیر حاصل گفتگوی خبرنگاران مجله با کارگران بخشهای مختلف راه آهن است که بطور عمده در اطراف ضرورت پاکسازی محیط کار، کمبود قطعات یدکی، پائین بودن سطح دستمزدها و اضافه کاری و مشکلات مسکن و خدمات درمانی دور میزند:

گزارشمان را با گفتگو با کارگران قسمت تعمیرات دیزل (بخش مکانیکی) شروع میکنیم:

کارگری بعد از ذکر اینکه اصولاً انقلاب در راه آهن صورت نگرفته از مشکل مسکن، بهداشت و درمان و اضافه کاریها شکایت میکند و میگوید: "آمدند دفترچه های خدمات درمانی ما را تبدیل به خدمات اجتماعی کردند که هیچ بیمه رستان و پزشکی آنرا قبول ندارد. بیمه رستانهای راه آهن راهم که از پول ما ساخته شده بود گرفتند. به اسم ما کوی کارگران ساختند ولی آنرا به یک عده از رؤسای و کارمندان عالیرتبه دادند که که احتیاج به این خانه ها نداشتند."

آقای ذوالفقار شفقی یکی دیگر از کارگران همین بخش میگوید: "اصولاً در راه آهن یک مشکل اساسی هست و آن وجود دستگاه داری مستبد در گذشته بوده است که متأسفانه هنوز هم با برجاست."

کارگری دیگر بنا به آقای فرادی حرف همکار خود را قطع کرد و گفت: "خیلی وقتها میشود که درخواست یک قطعه را میکنیم که ترتیب اثر نمی دهند، مثلاً مسئول قسمتی را که ما بدلیل کارکنی و بی لیاقتی از اینجا بیرون کردیم مقام مشاور مالی این امور را برعهده

گرفته که همان روال سابق را ادامه میدهد.

همین کارگر اضافه میکند: "قبلاً ۷ جرثقیل ۹۰ تنی خریداری شده که تکنیسینهای ما ضمن کار متوجه شدند که بدرد نمی خورند. به روسای قبلی این را گفتیم ولی



آقای ابو حمزه، پاسداری که کارگر همین بخش است به جرثقیل های عظیمی اشاره میکند که توسط افراد همین قسمت بدون هیچ چشمداشتی دا و طلبانه برای راه انداختن کارها نصب شده است. وی اشاره میکند که فقط با لایردن این جرثقیلها (غیر از نصب) توسط شرکتهای خصوصی حداقل ۴۰ هزار تومان هزینه لازم دارد.

کارگران بخش بوفه و رستوران

برای تهیه بقیه گزارش با کارگران بوفه رستورانهای راه آهن گفتگو میکنیم. افراد این بخش عمدتاً از طولانی بودن ساعت کار و پاشیدن بودن مزدها گلّه داشتند.

مثلاً آقای پدالنده دودانگه متمدنی رستوران شرح میدهد که بعد از ۱۲ سال کار تازه ۲۵۰۰ تومان که شامل کلیه مزایای شغلی نیز میشود میگیرد و

بقیه در صفحه ۳۱

مورتی که طبق قانون باید به حقوقهای پاشین تراز ۴۵۰۰ تومان تعلق بگیرد.

در بخش الکتریکی همین قسمت پای صحبت هماغاه می نشینیم. قربان مردانی که بگفته خودش ۱۱ سال سابقه کار در این قسمت دارد در مورد اهمیت کار این بخش میگوید: "اینجا قلب راه آهن است و اهمیت زیادی دارد با وجود این محل کار ما نه نور کافی دارد و نه از نظر سرما و گرما محل مناسبی است.

وی اضافه میکند: "اگر وسایل کافی به ما بدهند ما میتوانیم کلی مشکلات فنی راه آهن را حل کنیم. این همه زنی را تور و الکتر و موتور اینجا ریخته و خاک میخورند که ما در زمان طاعون نگذاشتند به آنها دست بزنیم و کوچکترین عیب دستگاه یا با بسدر آمریکا برطرف میشود و ما مثل اینها دور ریخته میشدیم. ما نظور که می بینید الان ما توانسته ایم کمک بقیه همکاران چندتایی را آنها را تعمیر و قباله استفاده کنیم.

مبارزه برای تشکیلات واقعی

تا سیات سیمرغ و مزرعه رضا که در ۳۰ کیلومتری مشهد قرار دارد یکی از مجتمع های بزرگ تولید گوشت و تخم مرغ است که فقط تولید تخم مرغ آن روزانه بیش از ۲۰ تن میباشد.

در این شرکت در حدود ۳۰۰ کارگر کار میکنند که عمدتاً دو بخش هستند: کردهای خراسانی و ترکهای اطراف قوجان. این کارگران از لحاظ رفاهی تاکنون شدت در فشار نبوده اند بطوریکه تا چندین پیش حقوق روزانه آنها ۳۰ تومان بیشتر نبوده است.

بعد از انقلاب یک شورا در کارخانه بوجود می آید که تعدادی از اعضای آن بطور عمده عامل کارفرما بوده و کارگران آنها را قبول نداشته اند. و همین دلیل یکی از خواسته های کارگران این بوده که شورای قلمی منحل و شورای جدیدی درست شود.

السته بعضی از اعضای شورای قلمی منحل آقاي دولفقار که شخصاً در جهت منافع کارگران کوشش فراوان نموده مورد تائید کارگران است.

در انتخابات جدیدی که صورت گرفت بعلمت توطئه و نفاق افکنی کارفرما، با زهم عوامل کارفرما به داخل شورا راه یافتند و کارگران عقیده دارند که این شورا هم دوام نخواهد یافت.

سیاری از کارگران شرکت سیمرغ و مزرعه رضا اعتقاد دارند که اول باید با توطئه های نفاق افکنانه مبارزه کرد و میان کارگران اتحاد بوجود آورد و پس از آن یک سندیکای کارگری واقعی بوجود آورد که بتواند از حقوق حقه آنها دفاع نماید.

بقیه کارفرما از بحران

مشکل بیکاران نیست بلکه دامنگیر تمام طبقه کارگر است. و در واقع مسائل و گرفتاریهای آنها ریشه مشترک دارد. به همین دلیل هم فکری و همکاری بین آنها لازم است. این همکاری از طریق تشکیلات کارگری امکان پذیر است که اولاً بر تعیین و پرداخت دستمزدها نظارت داشته باشد و ثانیاً با استخدام کارگر جدید هم از طریق این تشکیلات یعنی اتحادیه ها و سندیکاهای کارگری صورت بگیرد.

توطئه خنثی شد

گزارشی از شرکت وزنه

گزارش خبرنگار ما از شرکت وزنه حاکیست که بعد از چند ماه سرگردانی، بالاخره اعضای شورای این کارخانه در یک جلسه مشورتی با صدور توافق نامه ای توطئه های کارفرما را خنثی کردند.

از چند ماه پیش کارفرمای این شرکت قصد داشت یک بخش از کارگاه را تعطیل کند و کارگران آن قسمت را که بیش از ۵۰ نفر هستند، اخراج کند و بماندگاری این بود که تولیدات کارخانه فروخته شود و در این مورد محوزی هم از وزارت صنایع و معادن گرفته بود که در همین شماره کلیشه شده است.

کارفرما برای اینکه از خودش سلب مسئولیت کند، یک صندوق خالی هم تحویل شورا داده و در واقع مسئولیت تا مین حقوق کارگران را بدوش آنها گذاشته بود. در نتیجه اولاً پرداخت حقوقها عقب افتاده و ثانیاً باعث شده بود که کارگران خود را مقصر بدانند.

در جلسه ای که شورا تشکیل داد، اعضای شورا به این نتیجه رسیدند که اولاً کارفرما مسئول تا مین و پرداخت هزینه حقوق کلیه کارگران است و ثانیاً اگر کارفرما ادعا میکند که نمی تواند هزینه های شرکت را تا مین کند، باید تصمیم خود را در کوتاه ترین مدت اعلام و شرکت را جهت سرپرستی به دولت تحویل دهد.

بدنبال صدور این توافق نامه که در یک جلسه عمومی مورد تائید کلیه کارگران شرکت قرار گرفت، از کارفرمای شرکت نیز نامه ای با این مضمون که قابل درک است، اخذ شد. لازم به توضیح است که قبلاً کارفرما از اعلام چنین تصمیمی خودداری میکرده است.

بنا بر این لازم است که هر چه سریعتر از طرف دولت سرپرستی جهت این شرکت تعیین شود تا کارگران از بلا تکلیفی نجات یابند. ضمناً "مراحل اداری این موضوع از طرف شورای کارخانه و دبیرخانه هیئت موسس کنندگان سیون کارگران ایران دنبال میشود.

راه حل بحران اقتصادی؟!



وزارت صنایع و معادن

کلیشه‌ها مع وزارت صنایع که در واقع نوعی جواز اخراج کارگران است

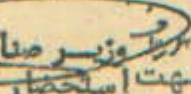
جناب آقای امیر ناصر حجازی

معاون وزیر مشاور در امور اجرایی

شماره
تاریخ
پست
واحد

بحران اقتصادی جامعه را فرا گرفته و خیل بیکاران روزافزون بسیاری بحران دامن میزند و ساده‌ترین و عملی‌ترین "راه‌تزی" کارفرمایان و مدیران، شرکتها و کارخانجات اخراج کارگران ما راه براحتیاج است! و برای قانونی کردن کار خود دست‌بدا من وزارت صنایع و معادن می‌شود که بار بار فروش‌بدا رسم و اگر کارگران را اخراج نکنیم، کارخانه تعطیل خواهد شد و جناب وزیر هم با "احساس مسئولیت" که کارخانه تعطیل نشود، نه تنها اقدام کارفرمای شرکت وزنه را نایب نمی‌کند، بلکه طبق نامه ضمیمه حکم عمومی صادر می‌نماید و دست‌تمام کارفرمایان را برای یک چنین اقدام ضدکارگری باز می‌گذارد و با یک چنین "حکمی" راه‌حل "انفلاسی" خود را برای رفع بحران اقتصادی ارائه می‌فرماید! گویا دیواری از دیوار کارگوشید و زحمتکش کونا هتیر پیدا کرده اند و گویی کارگری که گفته امام "اداره کننده امور این زمین است" مفروضه عامل اصلی این بحران اقتصادی است!

بازگشت بنامه شماره ۲۰۹۸۴ مورخ ۱۳۵۸/۷/۹ منقسم
بنامه شماره ۳۱۰ مورخ ۱۳۵۸/۶/۲۵ شرکت وزنه در مورد
تصمیم شرکت مزبور راجع به تصفیه حساب با کارگران مسازاد
براحتیاج بدینوسیله با استحضار می‌رساند:
برخی از کارخانه‌هایی که بدلیل بحران اقتصادی بازاری
فروش خود را از دست داده اند به منظور جلوگیری از تعطیل
آنها لازم است که از تعداد کارکنان خود بکاهند.

رونوشت: وزارت کار و امور اجتماعی جهت استحضار 

۲۰۷۵۱۹

۱۳۵۸/۷/۳۸

وزیر صنایع و معادن

رونوشت: تهران خیابان آزادی شماره ۶۴۶ شرکت وزنه

دکتر معاونت صنعتی

آقای حسین مظفریان

و پیدا کردن راه‌حلهایی برای آن
بقه کارگری را که خود قربانی این
بحران است و فشار طاقت‌فرسای
آنها با گوشت و پوستش لمس می‌کند
چسبیده‌اید؟

خود که نتیجتاً "منحربه افزایش
بدون کنترل خیل بیکاران خواهد
شد. بیشتر به این بحران اقتصادی
دامن می‌زنید؟ چرا بجای بررسی
علل واقعی بحران اقتصادی کونی

حساب آقای وزیر، شما که با
این "احساس مسئولیت" برای
جلوگیری از تعطیل کارخانه در
حقیقت فقط به کارفرمایان خدمت
می‌نمائید، آیا برنوشت این
کارگران اخراجی و زن و بچه و
زندگی آینده‌شان هم فکر کرده‌اید؟
شما که در فکر "حل" بحران اقتصادی
هستید، فکر نمی‌کنید که با این حکم

ضرورت تشکیلات مستقل کارگری

در این مقاله درباره تشکیلات صنفی - سیاسی کارگران و ترکیب طبقاتی و وظایف آن بحث میشود. تجارب مبارزات مردم ممالک مختلف نشان داده است که حکومت‌های استبدادی و رژیم‌های بوسیده را میتوان بوسیله یک حرکت وسیع توده‌ای از میان برداشت و سرنگون کرد. این تجربه در همین مانیزه‌اشات رسید.

فشار رژیم بیشتر بر طبقه محروم وارد میشود لیکن بعلت همه گیر بودن ظلم و تعدی آنچنان نفرت و کینه‌ای در اکثریت مردم ایجاد کرده بود که نتوانستند تشکیلات منظم و اساسی مانع پیروزی آنها نشد. در جریان مبارزات انواع سازمانها و تشکیلات خودجوش و بدون حدود مرز طبقه‌ای شکل گرفت و با وارد آوردن ضربات سیاسی بر پیگیر بوسیده رژیم مبارزه را به جلو برد. رژیم عاجزتر از آن بود که راه نجاتی داشته باشد.

دوران دوران تخریب و ویرانی بود. ویرانی و سرنگونی رژیم حتی به قیمت توقف کامل اقتصاد، کارگری‌ها را همیشه با مبارزه میگرد. زیر فشار رگم - پولی، بی پولی و قطع دستمزدها قرار میگرفت لیکن دست از مبارزه نمی‌کشید. همه چیز موقوف شده بود به پس از سقوط شاه. شعار بحث بعد از مرگ شاه تا حد زیادی گویای همین وضع بود و نشان میداد که مسائل زیادی مانند رفاه و آزادی زحمتگشان، مسئله کارمندان، مشکلات سرمایه‌داران و کشاورزان وجود دارد که در مرحله بعد مطرح شده و با یکدیگر حل و فصل شود.

هر مرحله‌ای تشکیلات خاص خود را میطلبد.

اکنون استبداد از زمین رفته و سلطنت وابسته و از گون شده است و انقلاب وارد مرحله نویستی گشته. مرحله مبارزه با امپریالیسم. در این مرحله مردم ایران مبارزه‌ای سخت و پیچیده و طولانی در پیش دارند. مبارزه‌ای که احتیاج به تشکیلات دارد، تشکیلاتی نو و تازه که بتواند ضمن بر آوردن خواسته‌های

اقتصادی و سیاسی، مبارزات مردم را هدایت کند. برای درک چگونگی تشکیلات کارگری توضیح چند نکته لازم است. کارگران و سرمایه‌داران از دو طبقه‌اند. کارگری نیروی کارش را میفروشد و سرمایه‌دار آنرا میخرد. کارگر مالک ابزار و وسایل تولید نیست، سرمایه‌دار مالک کارخانه، زمین و سایر مواد مورد نیاز تولید است. کارگر استثمار میشود. سرمایه‌دار استثمار میکند. این دو طبقه منافع متفاوتی دارند. و چنین است وضع کارمندان که قدری به این و قدری به آن نزدیک‌اند و اقشار میانی و غیر کارگری را تشکیل میدهند.

بنا به موارد ذکر شده چنانچه تشکیلاتی شامل کارگران کارمندان و کارفرمایان ایجاد شود، نمیتواند به فعالیت خوبی بپردازد و خیلی زود بعلت تضادهای درونی، اختلاف منافع، طبقه، عقیده و هدف از زمین رفته و منطقی میگردد. در واقع برای هر وحدت و همکاری ابتدا لازم است تضادها کاملاً روشن شود و سپس بر اساس وجود اشتراک واقعی همکاری آغاز گردد. در تشکیلات مختلف هیچگونه تصمیم واحدی نمیتواند اتخاذ شود و بر فرض که چنین شود نمیتواند در آن واحد هم به نفع کارگران باشد و هم منافع کارفرمایان را تامین کند. برای مثال کارگر خواهان دستمزدهای بیشتر، حق اعتصاب، مرخصی بیشتر ساعات کار کمتر، بهبود شرایط بیمه و بهداشت، حذف یا کاهش مالیات است و میداند که همه اینها یعنی کمتر شدن سود کارفرما یا سرمایه‌دار. حال قضاوت آسان است چطور میتوان تصمیمی گرفت که خواسته کارگر برآورده شود و سرمایه‌دار را اعتراضی نگذرد و با کمال میل موافقت کند.

در مورد کارمندان نیز باید گفته شود که این دسته علیرغم تفاوت با کارفرما وضعی مشابه کارگران نداشته و بعلت دستمزدهای بیشتر و دوری از تولید و رابطه غیر مستقیم با آن و در مجموع داشتن امتیازات بیشتر، منافع مخصوص خود را دارند. بقیه در صفحه مقابل

دوره‌یینه تشکیلات صنفی - سیاسی کارگران

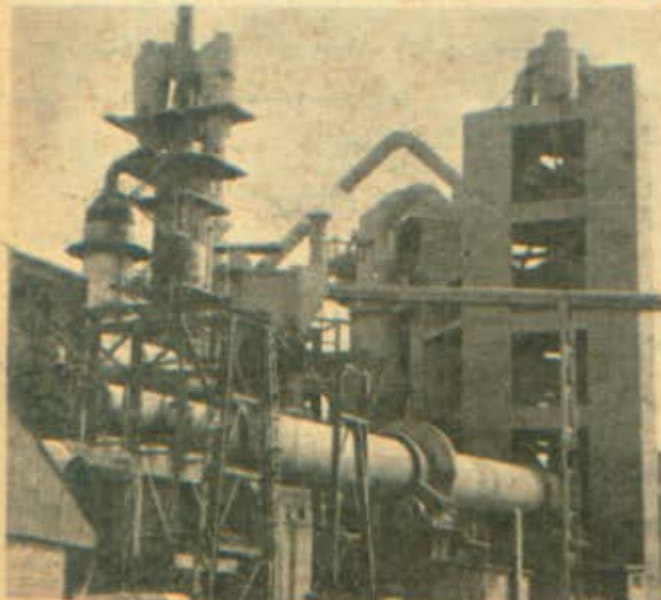
این یک واقعیت مسلم است که بسیاری از اقشار و طبقات غیر کارگری در حال حاضر درگیر مبارزه با امپریالیسم بوده و در کنار چند میلیون کارگر و تحت رهبری قاطع امام خمینی حرکت میکنند. این درست است که چنین شرایطی مبارزه اصلی و هدف فوری کسب استقلال وطن میباشد و به همین مناسبت کارگران ایران شرایط خاصی هستند. از یکسو برای گرفتن خواسته‌های طبقاتی و رفاه و آسایش و آزادی خود مبارزه میکنند و از سویی بعنوان نیروی اصلی انقلاب پاسدار و ادامه دهنده مبارزه ضد امپریالیستی میباشد. این شرایط باعث بروز و ایجاد وحدت ضد امپریالیستی تمام طبقات خلق شده و بسیار حائز اهمیت است و هوشیاری زیادی لازم دارد. بهترین راه حل قوی ترین جبهه ضد امپریالیستی اینست که هر طبقه و قشری تشکیلات مورد نیاز خود را مستقلاً ایجاد کرده و در وحدت سیاسی با هر قشر و طبقه‌ای که در عمل به انقلاب کمک میکند فعالیت مشترک نماید. در این رابطه کارگران باید نمونه و سرمشق همبستگی ملی و خلق بوده و از وحدت ضد امپریالیستی مبارزین واقعی حمایت کنند. در واقع کارگران از دولت و سرمایه داران خواسته‌های سیاسی - اقتصادی خود را مطالبه کرده و در مقابل برای پیشبرد مبارزه ملی آماده هرگونه کمک ممکن خواهند بود. زیرا کارگران میدانند که بدون کسب استقلال واقعی، آزادی و رفاه از حمتگشان ممکن نیست و متقابلاً بدون توجه به خواسته‌های رفاهی و سیاسی کارگران و حمتگشان استقلال واقعی میسر نخواهد بود. بنا بر این ایجاد تشکیلات واقعی و مستقل کارگری گامی است در راه استقلال.

در واقع تشکیلات صنفی - سیاسی مختلط (کارگری - کارمندی - کارفرمایی) به معنوی میماند که امکان هرگونه عمل متحد را از خود سلب کرده و باعث بروز مخاصمات بیهوده نیز میشود و در نهایت آن زمینه واقعی همکاری و وحدت بین طبقات و اقشار را نیز از میان برمیدارد. ضرر دیگر اینگونه تشکیلات اینست که امرتاسیس تشکیلات واقعی کارگری را به عقب می‌اندازد.

..... حقوقهای ۲۸ تومانی
 —————

گزارشی از کارخانه سیمان مشهد

کارخانه سیمان مشهد با ۵۳۰ کارگر در ۲۲ کیلومتری جاده مشهد قرار دارد. این کارخانه توسط خا رجیان حدود ۳۰ سال قبل نصب شده است. قبل از انقلاب بهره برداری و تعمیرات به کمک خا رجیان انجام میگرفت که هم اکنون تمام کارها بوسیله ایرانیها انجام میشود. تولید کارخانه ساعتی ۲۰۰ تن میباشد. مواد اولیه کارخانه از معدنی که وابسته به کارخانه است تا مین میگردد. کارگران معدن ۲ شیفت و کارگران کارخانه سه شیفت کار میکنند. حقوق کارگران بعد از انقلاب ۳۰ درصد و حقوق کارمندان ۴۵ درصد افزایش یافته است. ولی هنوز حداقل حقوق کارگران ۲۸۰ ریال است. کارگران نسبت به اجراء شدن بخشنامه حداقل حقوق وزارت کار اعتراض دارند و تاکنون نیز در این مورد هیچ اقدامی نشده است. کارگران نسبت به هزینه مسکن و طرح طبقه بندی مشاغل نیز معترضند و عقیده دارند سندیکا باید فعال باشد و دنبال خواسته‌هایشان دوندگی کند.



نمایی از کارخانه سیمان مشهد

قربانی در شهرک اکباتان

اشاره:

در سال جاری طی حوادث مختلف دوتن از کارگران شهرک اکباتان جان خود را از دست داده و چند نفر هم مجروح شده اند. با این ترتیب تعداد قربانیان شهرک در طول چند سال فعالیت آن، بنا به اظهار کارگران از مرز یکم نفر گذشت. اینان قربانیان شروت اندوزی کسانی هستند که اگر زمانی تارموشی از سر مبارکشان کم شود، صداها برپا خواهند کرد و دکتراها خبر خواهند داد. و اینان که خود زانغنه نشینند، کارگرانی هستند که از حاصل رنجشان آسمان خراشها ساخته شده. ولی مرگ، ردناکشان بی احتیاطی خوانده میشود. اهمیت مسئله ایمنی در کارگاهها و مراکز تولید با ردیگر خود را نشان میدهد. و هر بار که حادثه ای در این زمینه اتفاق می افتد مسئولیت بزرگ و جدی کارفرمایان، وزارت کار و دولت و عدم رعایت آن بیشتر به چشم میخورد. عدم مسئولیتی که غیر از فدا کردن جان کارگران سبب ازهم پاشیدگی بسیاری از خانواده ها شده و با آنها را دچار فقر و تنگدستی کرده و بی سرپرست میسازد.

برای حل مسئله ایمنی در کارگاهها پیشنهادات زیر قابل بررسی است:

- ۱- تشکیل کمیته ای از کارگران و مسئولین فنی در هر واحد تولیدی بمنظور بررسی وسایل ایمنی و پیشگیری از حوادث. زیر نظر تشکیلات کارگران کارگاه
- ۲- رسیدگی دایمی مسئولین وزارت کار به واحدهای تولیدی

برای شرکت فعال در تدوین قانون کار قانون کار موجود را مطالعه کنید، آنرا در جلسات سندیکا با شورای خود به بحث بگذارید و نظرات و پیشنهادات خود را برای ما بفرستید.

- ۳- ایجاد کلاسهای آموزش وسایل ایمنی برای کارگران
- ۴- پرداخت خسارات به کارگران سانحه دیده و بازماندگان کارگر
- ۵- اخذ جرائم سنگین از کارفرمایان متخلف از مقررات ایمنی



◀ نمایشگاه استقلال صنایع ▶

بر مبنای خواست صاحبان صنایع و دولت، جهت تامین قطعات مورد نیاز صنایع داخلی، نمایشگاهی با شرکت صنایع مونتاژ، صنایع کوچک و بعضی از صنایع بزرگ تشکیل شد که به مدت دو هفته در ماه گذشته در محل دائمی نمایشگاههای بین المللی ادا شده است.

تأمین و خواست مسئولین واقعی و صنعتگران ملی باعث گرد آمدن ۴۴ صنعت مونتاژ و وابسته و ۱۵۰ صنعت کوچک گشته بود.

در جریان این نمایشگاه بخش خصوصی، ساختن قابل توجهی از قطعات ماشین آلات گوناگون را به عهده گرفت. مثلاً مسئول ماشین سازی اراک با خوشحالی زاید الوصفی میگفت که پس از این تولید داخلی و مستقل کارخانه از ۷۰٪ به ۸۵٪ افزایش میابد که ۱۵٪ آن را بخش خصوصی به عهده میگیرد. از دیگر جنبه های مثبت این نمایشگاه، تماس صنایع مختلف با یکدیگر و آشنائی با امکانات گوناگون در جهت تکمیل نیازهای یکدیگر و رسیدن به خودکفائی ملی بود.

استقبال صنعتگران کوچک از این نمایشگاه فوق العاده بود. زیرا آنها با شرایطی مواجه گشتند که امکان رشد صنعت ملی را پیدا کرده اند. امکاناتی که رژیم طاغوت با تمام قوا از آن جلوگیری مینمود، از جمله موارد جالب توجه، ابتکار جوان مشتاقی بود که با وسایل ارزان، یک ماشین جوجه کشی خودکار ساخته بود که به گفته خودش قیمت تمام شده این ماشین از قیمت مشابه خارجی آن، کمتر و از نظر کیفیت استفاده بهتراست.

عملا کار دیگری انجام نداد. در این مورد مخصوصا سرپرستهای کارخانه از احساسات مذهبی کارگران و کارمندان سوء استفاده کرده و علیه یکی از اعضای فعال شورا که خیلی هم به نفع کارگران فعالیت میکرد توطئه نموده و بالاخره او را اخراج کردند و شورا را از هم پاشیدند.

بعد از مدتی درست بعد از فوت مرحوم آیت الله طالقانی کارگران با ردیگر مسئله شورا را مطرح کرده و توانستند شورای جدیدی تشکیل دهند که متأسفانه عوامل کارفرما توانسته اند بطور وسیع در این شورای جدید رخنه کرده و چند نفری هم که میخواهند به نفع کارگران کار کنند بشدت تحت فشار قرار میدهند بطوریکه آنها عملا نمیتوانند کاری از پیش ببرند.

در حال حاضر خواسته های زیر برای کارگران مطرح است: اضافه حقوق، اضافه حق مسکن، هزینه ایاب و زهاب و حق خواربار، که برخی از آنها قبلا از طرف کارفرما بطور ناقصی ترمیم شده بود، مانند پرداخت ۲۰٪ اضافه حقوق بحای ۵۰٪ مورد درخواست کارگران و یا پرداخت ۱۵۰۰ ریال حق سکنه بحای ۶۰۰ ریال مورد تقاضای کارگران و به همین ترتیب در مورد خواربار و ایاب و زهاب.



در سفارت آمریکا و مایل خابوسی سبار کت بد



— حالا نمودن تو سفارت ما چه خبره؟! —

نقل از روزنامه انقلاب اسلامی

لزوم بازسازی شورا

گزارشی از کارخانه رنگسازی ایران

این کارخانه که در جاده ساوه واقع است ۲۰۰ کارگر و کارمند دارد. انواع رنگ و چندین نوع روغن تولید میکند که عبارتند از: انواع رنگهای صنعتی - الکیدی - ساختمانی و انواع روغن بزرگ - جلا - الیف و همچنین انواع تینروکلر، مواد اولیه کارخانه از کشورهای سوئد و آلمان تهیه میشود. توضیح اینکه مقداری از این مواد در کشور خودمان بدست می آید. میزان تولید این کارخانه در حال حاضر حدود ۴۰ تن میباشد.

کارگران این کارخانه همراه با بقیه هموطنان خود در انقلاب شرکت کردند. بعنوان مثال چندین بار کارخانه را تعطیل کرده و همراه با کارمندان در نظا هرات شرکت نمودند. کارگران کارخانه در نظا هرات و اعتصابات سیاسی که انجام میدادند خواسته های مربوط به وضع خودشان را هم مطرح میکردند. بعد از پیروزی انقلاب با همت کارگران و چندتن از کارمندان شورائی تشکیل شد. که بعد از مدتی حدود چند ماه با توطئه کارفرما و عوامل او مانند رئیس امور اداری، نماینده سابق کارخانه و چندتن از کارمندان هم دست کارفرما شورا از هم پاشیده شد. و در مدتی هم که وجود داشت بحزنا سیس کتایخانه و مسجد

میدانیم که از باده های مهم به سلطه در آوردن کشورهای جهان سوم، بوجود آوردن صنایع وابسته به امپریالیسم است. صنایعی که اساس و پایه آن در کشورهای گوناگون است، صنایعی که با یک تلنگر از هم می پاشد و باعث بیکاری و فقر روز افزون اقتصادی کشور میشود.

اقدام به برگزاری این نمایشگاه، حرکتی است در جهت رشد ملی و استقلال اقتصادی کشور و جویا بگوشی به خواسته های صنعتگران ملی و صاحبان صنایع کوچک و دادن امکانات لازم به آنها، اقدام مثبتی است که تا حدود زیادی میتواند به کمک کردن بحران بیکاری موجود در جامعه و ایجاد کار برای کارگران و بالا بردن آموزش فنی و تکنیکی کارگران کمک نماید.

چرا تشکیلات سراسری کارگری لازم است؟

اتومبیل با ساجی و با کارگران رشته برق و حمل و نقل و معادن با بدیس از تا سپس تشکیلات اتحادیه‌ای خود، فوراً در فکر وحدت با سایر اتحادیه‌ها باشند تا در نهایت بتوانند کل طبقه کارگر را در سطحی وسیعتر متشکل کرده و بعنوان یک طبقه در جهت منافع عمومی کارگران مبارزه کنند.

این تشکیلات سراسری که کنفدراسیون نامیده می‌شود از وحدت و ادغام اتحادیه‌های کارگری بوجود می‌آید. توضیح اینکه اتحادیه‌ها خود، از وحدت و ادغام سندیکا‌های مشابه درست میشوند.

مزیت این تشکیلات وسیع آن است که از تفرقه و پراکندگی تشکیلات کوچکتر نظیر سندیکا‌های حرفه‌ای جلوگیری کرده و آنها را بعنوان یک طبقه متشکل در مقابل تشکیلات سرمایه‌داران، قدرتمندتر میکند. این نوع تشکیلات سراسری و طبقاتی ضمن برآورده کردن منافع کارگران بر حسب حرفه و تخصص یا صنف، منافع عالی‌تری یعنی منافع عموم کارگران را هم تأمین می‌کند.

چند تجربه:

در کشورهای مختلف جهان سابقه کار اتحادیه‌ها و کنفدراسیون‌ها که میلیونها کارگر را در خود متشکل کرده‌اند، بسیار طولانی است. انواع سالم این تشکیلات بزرگ توانسته‌اند با مبارزه وسیع و طولانی حقوق اجتماعی کارگران و رفاه آنان را تا حدود زیادی بهبود بخشند. اتحادیه‌های بزرگ کارگری توانسته‌اند نقش مهمی در زندگی سیاسی و اجتماعی کشور خود ایفا نمایند. به عنوان مثال اخیراً "شمنده" شد که در کودتای اخیر کشور بولیوی، اتحادیه‌های کارگری در مخالفت و مبارزه سیاسی علیه کودتاگران نقش فعالی داشته‌اند.

بمنظور آشنایی دقیقتر کارگران از شماره‌های آینده بتدریج به معرفی اتحادیه‌های کارگری ممالک مختلف خواهیم پرداخت، تا کارگران وطنمان قادر باشند با درس گرفتن از تجارب مثبت و منفی آنان راه خود را هر چه صحیح‌تر ادامه دهند.

آنچه امروز برای کارگران ایران صورت یک خواست مهم و اساسی مطرح شده، وحدت کارگران ایران است. این خواست اساسی نمی‌تواند عملی شود مگر از طریق یک تشکیلات واحد و سراسری کارگری. تشکیلات واحدی که بتواند با تکیه به نیروی چند ملیتی کارگران ایران از خواسته‌های عمومی و کلی نظیر شرکت در تهیه و تدوین قانون کار، داشتن حق در تعیین سیاست عمومی مملکت، تعیین سطح دستمزدها و ضوابط افزایش آن و با دخالت در تعیین قوانین مالیاتی به نفع کارگران و سایر مسائل عمومی و طبقاتی بهره‌مند شود.

حقوق صنفی و طبقاتی چرا؟

کارگران با اینکه یک طبقه را با منافع مشخص خود تشکیل می‌دهند، بعلاوه داشتن حرفه‌ها و تخصص‌های مختلف و بر حسب اشتغال در واحدهای متفاوت تولیدی خواسته‌های صنفی و حرفه‌ای جداگانه‌ای نیز دارند. برای مثال کارگران نجار یا کارگران حمل و نقل و یا کارگران کشاورزی یا کارگران برق-کار ضمن اینکه همگی کارگرند در حوزه فعالیت صنفی و حرفه خود مشکلات و مسائلی خاص دارند. بنا بر این در صورت ایجاد سندیکا‌های صنفی مانند سندیکای کارگران مکانیک یا کفاش ممکن است این گونه تشکیلات در جا رجوع دفاع از منافع حرفه‌ای و صنفی خود محدود گردند. لذا، با توجه به بسیاری از مسائل عمومی و حیاتی که از محدوده عمل تشکیلات یک کارگاه خارج است، لازم می‌آید تا کارگران پس از تشکیل سندیکا‌های خود اقدام به تشکیل اتحادیه-

ها کرده و برای مثال تمام کارگران یک رشته صنعتی مانند ساختمان اعم از نجار، بنا، کارگر ساده ساختمانی، سیم‌کش، آهنگر، موزائیک‌ساز و غیره در اتحادیه کارگران ساختمانی متشکل شوند تا قادر باشند ضمن تقویت تشکیلات خود از منافع عمومی و اساسی خود نیز دفاع کرده و برای آن مبارزه کنند. همچنین کارگران رشته‌های صنعتی دیگر نظیر صنعت

مناظره دو قطره خون



شنیده اید میا ، دو قطره خون چه گذشت
 که مناظره ، یک روز بر سر گذری
 یکی بگفت بآن دیگری ، تو خون گدای
 من او فتاده ام اینجا ، زدست ناحوری
 بگفت ، من بچکیدم زیبای خار کنی
 ز رنج خار ، که رفتش بیا جونشتری
 جواب داد بزیک چشمه ام هر دو چه غم
 چکیده ام اگر هر یک از تن دیگری
 هزار قطره خون در پیاله بگردانند
 تفاهت و ترگ و شریان نمیکند اشری
 ز ما دو قطره کوچک چکا خواهد خاست
 بیا شویم یکی قطره بزرگتری
 برای سعی و عمل ، با هم تفاق کنیم
 که ایمنند چنین رهروان زهر خظری
 در او فتمیم ز رودی میان دریائی
 گذر کنیم ز سر چشمه ای بحوی و حری
 بخته گفت : میان من و تو فرق سی است
 تو شی زدست شهری ، مزبای کارگری
 برای همی و اتحاد با جومنی
 خوش است اشک بنیمی و خون پنجمیری
 تو از فراغ دل و عشرت آمدی بوجود
 من از خمیدن پشتی و زحمت کمیری
 ترا سبطخ شد ، بخته شده همیشه طعام
 مرا با تشاهی و آب چشم تیری
 تو از فروغ می ناب ، سرخ رنگ شدی
 من از تکوین خاری و سوزش جگری
 مرا بملک حقیقت ، هزار کس بخرد
 چرا که در دل کان دلی ، شدم گهبری
 قضا و حادثه نقش من از میان نبرد
 کدام قطره خون را بود چنین هنری
 درین علامت خونین ، نهان بود در ریاست
 ز ساحل همه ، پیداست کشتی ظفیری
 ز قید بندگی ، این بستگان شوند آزاد
 اگر بشوقدهائی ، زنند بال و پیری

بسیم و سبوزن ، اینقدر خون دل نخورند
 اگر بخانه غارتگری فتد شرری
 حکمنا حق هر سقله ، خلق را نکشند
 اگر ز قتل پدر ، برستی کند پیری
 در خجور و ستم ، هیچ برگویارند اشت
 اگر که دست محارفات ، مردش تشری
 سپهر سیر ، نمیدوخت جامه بیداد
 اگر نبود ز صبر و سکوتش آستری
 اگر که بدمنشی را ، کشند بر سردار
 بجای و نشینند ، بزور از او بتری
 بروین اعتما می

من کارگرم

من کارگرم
 کارگر چاپخانه
 مردی از تبار سرب
 وارث هابیل
 با دستانی سیاه و سفید
 همراه ماشین چاپخانه ،
 آواز میخوانم ،
 من حروفچینم
 می نویسم : بهار
 می نویسم : رویا
 می نویسم : بازار
 می نویسم : خدا
 می نویسم : تفنگ .

من کارگرم
 کارگر چاپخانه
 با روزی ده ساعت کار
 مردی از میان غبار سرب و تاریکی
 با دستهای سیاه و سفید
 همراه صدای کاغذها
 سرود میخوانم ،
 من «حروف» میچینم
 می نویسم : بهار
 می نویسم : کار
 می نویسم : سرمایه
 در کلاس شبانه به ما جهاد می آموزند .

من کارگرم
 کارگر چاپخانه
 و روحم درون کتابهاست ،
 من فریاد میکشم ، داد میزنم
 و برای کارگران آواز میخوانم ؛
 بنویسد : خدا ، عشق
 لاله سرخ ، تفنگ
 من حروف میچینم
 از جنس گلوله از سرب .

کارفرما: نماینده رami خریم!

تومان و مزا یا را قطع کرده و اسمش را گذاشته که حقوق تان ۲۰۰ تومان اضافه شده، در حالی که فقط ۳۰ تومان بحقوق ما اضافه کرده. صفر می گفت: وضع ما امیدوارکننده تر شده است، چون قبلاً با هم متحد نبودیم ولی مدتی است با هم متحد شده ایم و دو نماینده از بین خودمان انتخاب کرده ایم. کارفرما و یارانش سعی می کنند بین ما تفرقه بیندازند، مثلاً سعی کردند کارگران را جمع کنند و وعده و وعیدهای توخالی به کارگران بدهند. ما به کارگران گفتیم که جمع نشوند و فقط نمایندگان نشان صحبت کنند. کارفرما می دید کارش خراب شده، می گفت: آدم زنده و کیل ووصی نمی خواد، مگر شما شده اید قسیم کارگران؟



جمعی از کارگران مرغداری طوس

کارفرما با کمال بی شرمی می گفت: نماینده شما هرکس باشد ما می خریمش آقا، ما نماینده را می خریم، حتی اگر پسر بیغمبر باشد! و می گفت در خیلی از شرکتها بسته شده، که یکی از کارگران در جوابش گفت: ولی بعد دیدیم که چه کسی آن را باز کرده و تویش کار می کنه! تومی خواهی ما را بیرون کنی؟ مواظب باش که خودتو از اینجا بیرون نیا ندازیم! ❖

"نماینده شما هرکس باشد ما می خریمش حتی اگر پسر بیغمبر باشد."

این را کارفرمای مرغداری طوس گفته است. شرکت مرغداری طوس در ۴۲ کیلومتری حاده قوجان - مشهد قرار دارد. کارگران این موسسه از هیچ نوع بهداشتی در محیط کار برخوردار نیستند. هیچ کدام بیمه نشده اند. و از مزایای قانونی که به کارگران رفته. های دیگر منابع تعلق میگوید، برخوردار نمی باشند. از کارگری بنا م محمد قدیمی می پرسیم شرایط کار چگونه است؟

میگوید: آقا ما توی فاصله مرغ زندگی میکنیم، و در زمستان هم توی گاز بخاری که از تن مرغها بلند میشه که وقتی آدم وارد سالن میشه بخار چشمهای آدم را می سوزاند. توی هوای سرد با بد فطره مرغها را که از لجن بدتر است، توی گونی بکنیم و بسیریم بیرون و با اینکه این نرده های جویی را که بر از فطره است بشوریم. هیچکس به فکر ما نبوده. روزی ۱۰ ساعت کار می کنیم، وقتی می رویم خانه دیگر نای بلند شدن نداریم. یکی دیگر از کارگران می - گفت: سه سال است اینجا کار می کنم و با مواز همی - سنگ سفید نتوانستیم بیرون بگذارم اینجا مثل زندان است.

یکی دیگر از کارگران به اسم صفر می گفت: ما اینجا هیچ غذای خوب نمی خوریم، گوشت گیرمان نمی آید، ولی با مبارزه ای که کردیم توانستیم هفته ای یک کیلو گوشت مرغ یا پول آنرا برای هر - خانوار از کارفرما بگیریم. صفر در ادامه حرفش گفت: حقوق من ۱۱۵۰ تومان بود. ۱۰۰ تومان هم نگه می - داشتند که آخر سال بعنوان پاداش میدادند. حقوق ما در اصل همان ۱۲۵۰ تومان می شود. و در ماه ۵۶ تومان هم پول مزایای گوشت داشتیم و حدود ما می ۱۴ تومان هم پول تخم مرغ، اگر حساب کنیم می شود: ۱۳۲۰ تومان بعداً! این آقا مدح حقوق ما را کرده ۱۳۵۰

نتیجه تحمیل مراسم پرسندیکا

گزارش زیر که از آبادان برای ما فرستاده شده به خوبی نشان می‌دهد که چگونه دخالت، دادن مراسم و مسالک و ایدئولوژی در کار سندیکائی باعث از هم پاشیده شدن تشکیلات صنفی - سیاسی کارگران میشود و در صفوف آنان اتحاد تفرقه مینماید.

یکی از روزهای ماه گذشته بخاطر بخش اعلامیه میان کارگران کارگاه‌های جوشکاری و دروپنجره ساز آبادان و دعوت از آنها به جلسه گرد همایی جهت بحث و تبادل نظر در مورد تشکیلات سندیکای خود به آنها رفتیم. در ضمن مجله "کارگران ایران" و جزوه "یک سند تاریخی" هم همراهمان بود که به کارگران بفروشیم.

بعد از بخش آنها، ۲۰ دقیقه به ساعت ۷ بعد از ظهر

مانده بود که در مسیر برگشتن به خانه، جلوسه اصطلاح "سندیکای کارگران پروژه‌ای (سکاران)" رسیدیم.

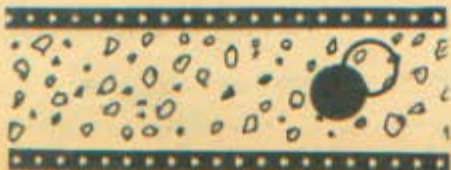
ما (دونفر بودیم) بداخل رفتیم، عده‌ای (تقریباً ۵۰،۴۰ نفر) در آنجا جمع بودند و با صدای بلند بحث می‌کردند. ما هم کنار آنها ایستادیم و به بحث آنها که بطور کلی محتوای ضد دولتی داشت حدود ۲۰ دقیقه‌ای گوش دادیم. من تعدادی مجله "کارگران ایران" شماره ۳ و تعدادی هم جزوه "یک سند تاریخی" گزارش کنگره را در دستم گرفتم که به آنها بفروشم. بدون اینکه در مورد فروش آنها حرفی

یکی از کارگرها گفت: گذشت دوره‌ای که ما نمی‌توانستیم حرف بزنیم و شما هم توی سرمان میزدید حالا ما مخمینی گفته: اداره ماور این زمین باید بدست ما باشد، توجه می‌گویی؟ صفر می‌گفت: کارفرما و بارانش حالا فهمیده اند که بسادگی نمی‌توانند حریف کارگران مبارز بشوند.

بزنم، خودشان آمدند و اول نگاه نوشتند و آن انداختند و بعد یکی یکی هم مجله هم جزوه را از دستم گرفتند و شروع به نگاه کردن و ورق زدن آنها کردند. بعد همه آنها با هم من گفتند که کدام کنفدراسیون، ما این کنفدراسیون را قبول نداریم و همچنین برجست می‌زدند که این کنفدراسیون از بالا درست شده و فرمایشی است و داریوش فروهر آنرا درست کرده. ما هم به آنها می‌گفتیم که اولاً "فرمایشی که نیست هیچ، حتی یک ریال هم دولت و با وزارت کار به آن کمک نکرده. آنها حرف ما را قبول نمی‌کردند. ما به آنها می‌گفتیم شما به چه دلیلی این حرفها را در مورد کنفدراسیون می‌زنید، آیا مدرک یا سندی دارید. اکثر آنها از آنجا شکی با هم حرفها نشان را با ما می‌زدند و شلوغ می‌کردند. مجال حرف زدن شما نمیدادند و میگفتند: اصولاً ما وزارت کار را قبول نداریم و چون وزارت کار آنرا برسمیت شناخته به همین دلیل واقعی نیست و مال داریوش فروهر است. از آنها پرسیدیم از نظر شما واقعی چگونه است و چگونه بوجود می‌آید وجه مشخصاتی باید داشته باشد؟ آنها با سروصدای زیاد هر کدا مشان چیزی میگفتند و اضافه می‌کردند: چنانچه وزارت کار آنرا برسمیت نمی‌شناخت و غیر قانونی فعالیت می‌کرد، آنوقت واقعی بود.

در مورد این تشکیلات بد نیست بدانید:

"سندیکای کارگران پروژه‌ای" در اوایل کارشان، با سروصدای زیادی که راه انداختند، عده‌ای دور خودشان جمع کردند، اما از آنجا شکی ایدئولوژی قشری و گروهی خودشان را بر اعضایشان تحمیل می‌کردند، و بدینال مسائل سندیکایی نبودند. خط ضد دولتی و ضد دینی را تبلیغ میکردند، از هم متلاشی شده و اکثر اعضایشان از آنها و آنها رانده شده‌اند. تعداد خیلی کمی مانده‌اند که آنها هم ناراضی ترا شدند و در حال حاضر متلاشی شده‌اند و با آن شیوهی عمل و خط غلطشان، باز هم متلاشی‌تر خواهند شد.



پاکسازی کارخانه

گزارشی از توشیهای رشت

کارگران قسمت پرس کارخانه توشیهای رشت برده‌ای به دیوار نصب کردند و تا ۱۳ نفر را اعلام نمودند. این اقدام چند هفته قبل بدستال صحت‌های کارکنان کارخانه در پاکسازی انجام گرفت اما چون با مطالعه کافی همراه نبود حوادثی را به همراه داشت که در گزارش زیر می‌آید:

ایراد کارکنان این بود که این اسامی را گروه‌بندی نکرده بودند و همه این ۱۳ نفر را بدون اینکه در سطوح مختلف دسته‌بندی کنند، در یک سطح قرار داده بودند. چون تا ۳ نفر از مهندسين نیز جزء لیست بود، از فردای آنروز کلیه مهندسين و مسئولان اجرایی بعنوان اعتراض نسبت با این عمل کارگران دست از کار کشیدند و کارخانه را ترک کردند و خواستار مجازات مسببین اینکار شدند. کارگران از هما شروع با وحدت و پشتکار هر چه تمامتر، شروع به افزایش تولید کردند. تلاش و وحدت کارگران واقعا بیسابقه بود. کارگران با ردیگر ثابت کردند که میتوانند با اتحاد و تلاش خود، بر تمام موانع پیروز شوند.

در بعضی از قسمت‌ها سطح تولید بعدی بالا بود که خط هوایی انتقال قطعات از قسمتی به قسمت دیگر داشما مشغول بکار بود و کارگران ما زاد تولیدشان را خود در آغوش گرفته و بطرف قسمت مونتاژ می‌دویدند و قطعات را تحویل میدادند و روحیه ما بی‌نظیر بود. با وجودیکه مهندسين و مسئولان اجرایی درست روز پرداخت حقوق، کارخانه را

که بعد از انقلاب، چهره واقعی انقلاب را در کارخانه ببینیم. این وظیفه ما است که بیروان راستین اما خمینی باشیم و با تعدیات و تبعیضات مبارزه کنیم. ما خواستار این هستیم که دولت، قانوناً حقوق‌های بین ۱۵ هزار تومان را لغو کند. وگرنه ما میدانیم که سطح تکنیک این کارخانه بسیار بالاست و ما به مهندسين احتیاج داریم.

ما میدانیم که باید به کمک مهندسين تلاش کنیم تا بتوانیم تکنیک این کارخانه را از وابستگی به ژاپن بیرون بیاوریم. ما میدانیم که باید با اتحاد با مهندسين، دست‌کشورهای غارتگر خارجی را از کشورمان کوتاه کنیم و روی پای خودمان بایستیم. ما مخالف مهندسين جماعت نیستیم و همه مهندسان را طاغوتی نمی‌دانیم. بلکه تبعیضات درون کارخانه را طاغوتی میدانیم. و کسانی را که از این قوانین ضد کارگری و تبعیضات دفاع میکنند چه مهندس و چه کارگر، طاغوتی میدانیم. خواسته ما بحق و منطقی است. در رژیم طاغوتی که قوانین ضد کارگری بیاده میشود، مهندسين و سرپرستان نسبت به ما کارگران امتیازاتی داشتند. حالا که رژیم طاغوت سرنگون شده، میبایست این قوانین ضد کارگری و تبعیضات نیز از بین برود.

با لایحه پس از تشکیل جلسه مشترکی از طرف شورا و مهندسين و ریاست کارخانه، قطعنامه مشترکی صادر شد، در این قطعنامه اگرچه تمام خواسته‌های کارگران به تحقق

ترک کرده شدند و ممکن بود پرداخت حقوق چند روز به عقب بیفتد، اما کارگران میگفتند مهم نیست. آنها بی که ممکنست فکر کنند ما بخاطر حقوق نگرفتن کارخانه را می‌خواهیم یا نمی‌خواهیم در اشتباهند. ما حاضریم بدون حقوق هم کار کنیم جالب اینجاست که کارگرانی که در ماه‌های قبل اگر حقوقشان دیر میشد، فوراً جمع میشدند و اعتراض میکردند، در چنین موقعیتی به قسمت حسابداری قدم هم نگذاشتند. آنها در این روزها مظهر تلاش و یکپارچگی بودند، علت داشتن چنین روحیه‌ای هم این بود که کارگران میگفتند چرا مهندسين اعتماد کرده‌اند؟ اگر ما اشتباه کرده ایم و اسامی را بطوری نوشته ایم که به بعضی از آنها توهین شده، چرا نباید مدد و اشتباه ما را گوشزد نکردند؟ چرا دستجمعی کارخانه را ترک کردند مگر به ما که در تمام مدت این ده سال که در کارخانه کار میکردیم و عرق می‌ریختیم، کم توهین شده بود؟ مگر ما آدم نبودیم که اینطور به ما توهین میکردند و تحقیر میشدیم؟

ما اکنون قصد انتقام نگرفتیم نداریم، بلکه خواستار این هستیم

اتحاد کارگران چاپخانه‌های رشت

آنجا شیکه دستم برسد خدمت می‌کنم. با آنکه فعلا "رسمیت ندارم".

در همین جلسه، یکی از کارگران پیشنهاد کرد که "کارگران با روپهم گذاشتن پول و کمک گرفتن از دولت، چاپخانه‌ای درست کنند که دولت هم نظارت داشته باشد و در مقابل کارهای چاپی دولتی به این چاپخانه واگذار شود. مثلاً "جاب کتابهای درسی مدارس این منطقه به این چاپخانه داده شود. یا چاپ کاغذهای ما رکدار ادرات دولتی که معمولا

بقیه در صفحه ۱۹

اخراجی، از استخدام کارگر جدید جلوگیری کنند.

در این جلسه همچنین سرالسوم هرچه بیشتر اتحاد کارگران اشاره شد و گفته شد که کارگران با بسند نمایندگان دلسوز و واقعی را از بین خود، انتخاب کنند تا آنها با کارفرمایان صحبت کنند و مسائل و مشکلات کارگران را به کمک خود آنها حل کنند.

کارگرد دیگری گفت: "من تعهد دارم که به خلق الله خدمت کنم و تا

"کارگران همه چاپخانه‌ها باید با اتحاد و یکپارچگی تمام در مقابل دسایس چاپخانه‌داران پافشاری کنند. این فقط کارگران هستند که باید همدیگر را داشته باشند و با حفظ حقوق همدیگر فریب کارفرما-بان را نخورند."

این گفته یکی از کارگران شرکت کننده در جلسه مشترک کارگران چاپخانه‌های رشت بود. وی ضمن طرح مشکل کارگران اخراجی و بیگار چاپخانه‌ها از توطئه یکی از کارفرمایان صحبت کرد و گفت: "ملکزاده یکی از چاپخانه‌داران دونه‌را ز کارگران خود را اخراج می‌کند و آنها هم تسویه حساب می‌نمایند و سپس اقدام به استخدام یک حرفه‌چین جدید می‌کنند که این کار با مخالفت شدید کارگران روبرو می‌شود. بطوریکه کارگران یک گروه ضربت ۳ نفری درست می‌کنند تا کارگران اخراجی را به سرکار برگردانند. و تا برنگشتن کارگران

کنگره چهارم اتحادیه سازمان گسترش

چهارمین کنگره "اتحادیه شوراهای انقلابی اسلامی سازمان گسترش" پس از ۵ روز به کار خود پایان داد. در این کنگره گزارش کارکرد دوره ۶ ماهه گذشته اتحادیه داده شد و پیاپی رسیده قرائت گردید.

کنگره یکپارچه از دانشجویان پیرو خط امام در رابطه با اشغال سفارت آمریکا پشتیبانی کرد و خواهان عدم هرگونه وابستگی به کشورهای امپریالیستی شد. در بحث آزادان کنگره معبود مزددهی نماینده جوکای رشت اعلام انحلال یکجانبه شورای این کارخانه را توسط مقامات مسئول گیلان و مدیریت جوکا شدیداً محکوم نمود و خواهان بررسی آن توسط اتحادیه گردید. هیئت موسس کنفدراسیون کارگران ایران موفقیت این اتحادیه را صمیمانه تبریک می‌گوید.

سیستم طاغوتی، عمدتاً افزایش تولید است. کارگران باید گرفتند که اکنون در مرحله سازندگی انقلاب برای رسیدن به خواسته‌های بحق خودشان، می‌بایست تولید را بالا ببرند و به دولت نشان دهند که خواسته‌ساز بهبود وضع اقتصاد کشور و حفظ استقلال مملکت هستند و متقابلاً دولت نیز موظف است که به خواسته‌های منطقی‌شان رسیدگی کند.

بیوشند. اخراج کلیه افراد بر پایه ضوابط و مدارک باشد. کلیه افراد بدون دخالت دادن عقابند سیاسی، در جهت پیشبرد امور تولید، همکاری صمیمانه داشته باشند، هرگونه مزایای خارج از لیست حذف شود.

درسی که کارگران از این مبارزه گرفتند اینست که برخلاف زمان طاغوت که راه مبارزه از طریق اعتصاب و خواباندن تولید و ضربه زدن به رژیم طاغوتی بود، اکنون راه مبارزه با بقایای

نهبوست، اما کارگران توانستند به قسمتی از خواسته‌های مهم خود برسند. از مهمترین مواد این قطعنامه این بود که قرار شد از این پس، آئین نامه انضباطی در مورد کلیه کارکنان پیاده شود. کلیه کارکنان کارت ساعت بزنند، ورود و خروج همه افراد کنترل شود و تبعیضاتی که در مورد خروج آزادانه بعضی افراد وجود داشت از بین برود. مقررات مربوط به مرخصی و غیبت در مورد همه افراد به یکسان باشد. همه روپوش کار



داستان کوتاه خشم کارگری

جمع شدند، فوراً برق را قطع کردند، حسن آقا خیلی وحشت کرده بود و هول شده بود و از دستباجی نمیدانست چکار باید کند. بقیه هم ناشی بودند. رنگ همه پریده بود. حسن آقا بیشتر از همه نگران بود، چون خودش را مسئول این واقعه میدانست.

بالاخره یکی از کارگران قدیمی که تجربه‌ای در این کار داشت، دستهای سرفکار را که طاق باز افتاده بود با حرکت‌های متناسب و با نرمی به حرکت درآورد تا قلیش بسکار بیافتد و چندین بار این کار را کرد و بعد دهانش را در دهان او گذاشت و با دمیدن به او تنفس مصنوعی داد.

در همین موقع کارفرما با عصانیت وارد شد و بدون توجه بوضع کارگری که در حال مردن بود، شروع به داد و پندار کرد که کارگران کجایند که چه خبره، برید سر کارتان، بعد سر حسن آقا داد کشید که: کسی میخواهد این اسکله‌ها را تصوم کنی؟ فقط بلدی معرکه بگیری؟ حسن آقا با تمام وجودش نگران بود و خودش را مسئول این اتفاق

میدانست و سخت بریشان و عصانیت بود. این رفتار و حرف‌های کارفرما در یک جنبش وضعی که اصلاً کوچکترین توجهی بآن کارگر بدبخت نمی‌کرد و مثل اینکه اصلاً اتفاقی نیفتاده و حتی در حالیکه یک کارگر خودش و استثمای کارگران و درآمد بیشتر بود.

حسن آقا دیگر منفجر شد، خون توی چشمهایش جمع شده بود و درگ-

ولی در همین موقع جوانکی کلید اصلی برق را خاموش کرد، سرفکار تازه واردی بود که روز اولش بود و آزمایشی کار میکرد که چنانچه کارفرما از کارش راضی بود استخدامش کند، کلید را قطع کرد که کابل‌های یک دستگاه دیسک (دستگاه برش آهن) جدید را وصل کند، حسن آقا ناچار خودش را بکار دیگری مشغول کرد و شروع به تنظیم با به دوم اسکله کرد تا کار سرفکار تمام شود.

نیم ساعتی طول کشید که کار سرفکار تمام شد و کلید اصلی را خودش دوباره روشن کرد و وقتی از کنار حسن آقا رد شد، حسن آقا از او خواست که کابل دستگاه جوشش را وصل کند و کابل‌ها را برداشت و بدست سرفکار داد ولی سرفکار چون تازه وارد بود، شاید بعلت دلهره و هواس‌پرستی، سرلختی کار کابل‌ها را بدست گرفت که ناگهان بیک طرف پرت شد و از حال رفت. همه کارگران سراسیمه دورش

حسن آقا با به‌های یک اسکله بزرگ ساختمان را که از تیر آهن ۶ اینچ بود بدقت میزان کرده بود، زاویه‌ها را گونیا کرده بود و خوشکار رو در دستش گفت که آنهارا تک‌خال بزند. دو طرف پایه و راس اسکله را تک‌خال زدند و بعد محض اطمینان یکبار با متر و گونیا اندازه‌ها و زاویه‌ها را کنترل کردند و چون اشکالی نداشت، وارد دستش مشغول جوشکاری شد.

ولی هنوز جوشکاری یک طرف به نصفه نرسیده بود که برق رفت، حسن آقا نگاه کرد دید کابل برق دستگاه جوش قطع شده، روزی چند بار این اتفاق می‌افتاد.

کارگاه بزرگی بود و چندین دستگاه جوش کهنه و قراضه داشت، کابل و سیم‌ها پوسیده و پارچه‌پوره بودند و همین‌طور کف کارگاه و لوله بودند و تکه‌تکه با لنت و پلاستیک وصله‌بینه شده بودند.

دائماً خطر برق کارگران را تهدید میکرد، دوسه دفعه هم بچه‌ها را برق گرفته بود ولی کارفرما توجهی نداشت و حاضر نبود برای عوض کردن کابل‌ها و دستگاه‌ها چیزی خرج کند و کارگران مجبور بودند خودشان دائماً سیم‌ها را وصله‌بینه کنند و دستگاه‌ها را به‌ر شکلی شده کار بیاورند.

حسن آقا این دفعه هم با فشار چند فحش به کارفرما به طرف دستگاه جوش رفت که کابل‌ها را وصل کند،





برای زخمکشان کار از کودکی شروع میشود

شده اند. همچنین گفت که مدیر سابق روزنامه بازاری که مدت ۱۱ سال با ساواک همکاری داشته، بعد از انقلاب با رأی دادگناه انقلاب به مدت ۳ سال به پهبان تبعید شده است. اداره این چاپخانه به شوروا گذار شد ولی چون شوروا نتوانست وظایف مربوطه را انجام دهد، چاپخانه تعطیل شده و کارگران آن بیکار شدند. این روزنامه در سال گذشته فقط ۱/۵۰۰/۰۰۰ تومان از اعلانات، درآمد داشته است که هیچ سهمی از آن عاید کارگران نشده است. این جلسه با حضور ۱۷ کارگر چاپخانه در محل خانه کاررشت برگزار شد که صورت جلسه آن در شماره قبل به چاپ رسید.

● بقیه اتحاد کارگران

سالانه برای هر اداره حدود ۲۰۰۰۰ تومان خرج برمی دارد، بعهدده این چاپخانه گذاشته شود، تا ضمن انجام کار از زردوبندهایی که در گذشته ما بین چاپخانه داران و کارپردازان انجام می شد، جلوگیری شود. مثلاً "در دوران طاغوت کاغذهای ۱۰ گرمی را به جای کاغذهای ۸ گرمی حساب می کردند و به این ترتیب مبلغ زیادی از بیت المال غارت می شد."

سیس کمیوهای اساسی اساسنامه پیشنهادی کارگران چاپخانه ها منجمله حق اعتصاب و تحمّن کارگران، مورد بحث و بررسی قرار گرفت.

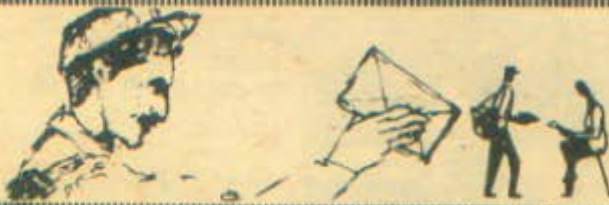
کارگردیگری آماری از کارگران اخراجی چاپخانه ها داد و گفت که در حال حاضر ۹ نفر از چاپخانه بازار رشت، ۶ نفر از چاپخانه اسلامی، ۱ نفر از چاپ نو، ۶ نفر از چاپخانه صومعه سرا اخراج

ها بش برآمده بود. جای معطلی نبود، قطعه آهن سزرگی را که جلوی بایش بود برداشت و با ضرب بصورت کار فرما بپرت کرد. و بعد مجالش نداد و مثل پلنگی زخم خورد و با حمله کرد و گلویش را در بنجه هایش گرفت و با تمام قدرت فشار داد.

نفس کار فرما سندا آمده بود و رنگش سیاه شده بود. وحشت از چشمهاش می بارید، کارگسوان دیگر سراسیمه ریختند و با تلاش فراوان کار فرما را از جنگ حسن آقا در آورند و خودشان شروع به زدن کردند، خونین و مالمیش کردند، آنقدر زدند که از حال رفته، در همین موقع کم کم چشمهای کارگر برقکار هم با زشد و یکباره بینند شدند.

حسن آقا خوشحال شد، خیالش راحت شد ولی هنوز خشمش فرو ننشسته بود، تشنه خون کار فرما بود ولی همکارانش حسابی خدمت کار فرما رسیده بودند، نگاهش کرده دیدم مثل یک لاشه یک افتاده بالاخره کارگران یک تاکسی آوردند و برقکار و کار فرما هر دو را به بیمارستان بردند، تا عصر هر دو حالشان جا آمد و کار فرما، کارگر برقکار را از همانا اخراج کرده بود و خودش بکلانتری رفته بود و همراه یک افسر و چند پاسان بیکارخانه آمده بود که کارگران را دستگیر کنند ولی همینکه درما شین را با زگردند و قدم بیکارخانه گذاشته ناگهان نقش زمین شد، بعدا "معلوم شد سگته قلبی کرده و کارگران از شرش خلاص شدند.





نامه‌های رسیده

وحشت از اتحاد

یک نامه از آبادان

درود و سلام بر شما هیئت مؤسس کنفدراسیون کارگران ایران و اداره کنندگان مجله کارگران ایران. دست شما را صمیمانه می‌فشارم و برای شما آرزوی موفقیت بیشتری را دارم. پس از سالها اختناق و خفقان بالاخره در ایران تشکلات کارگری بوجود آمد و کارگران زحمت‌کش و رنج‌خوار ایران سنگرواقعی خود را یافتند. کارگران ایرانی هنوز آنطور که ما بدو شاخه از اتحاد خود خبر نداریم. هنوز از کارگران ما صاحب کارگاه می‌ترسند هنوز نمیدانند که اگر در یک کارگاه کوچک که دو نفر کارگر داشته باشند این دو نفر با اتحاد و یک رنگی خود میتوانند در مقابل استثمار کارگران مبارزه کرده و حق واقعی خود را بدست آورند. کارگران با اطلاع باشند که کارهای رفیع و زندگی محال را در خانه‌ها و صاحبان کارخانه‌ها همه از تلاش شبانه‌روزی کارگران تهیه شده، سرمایه‌داران در گوش کارگران خوانده اند که اگر آنها با شما اتحاد را برقرار نکنند و گرسنگی خواهد مرد، در صورتیکه هرگز چنین سوده زیرا سرمایه‌داران تنها انگش به پول است و لی یک کارگر نیروی کار خود را دارد، اگر کارگر ساشد سرمایه‌دار از زمین خواهد رفت.

تمام کارگران ما بهترین با بدترین آنها از اتحاد کارگران وحشت دارند، همینطور از آگاه‌های کارگران. همیشه سعی میکنند که ما را از یکدیگر جدا کنند. کارگران را و در کارگاه‌ها کارخانه‌ها کارگران را با تنی خسته و عصبانان به خانه می‌فرستند یا با مشکلاتی مانند بدهی یا تنگی یا قسط و سایر زندگی آنها را از مطالبه زدا کردند و از بی خبری آنها جدا کرد. استفاده را ببرند این روش کشورهای سرمایه‌داری

سوده و خواهد بود. کارفرمایان همیشه سعی میکنند از اتحاد کارگران جلوگیری کرده و با اینکه یکی از عوامل خود را در دسترس دیگران، اتحادیه‌ها یا شوراهای بگذارند تا منافع آنها حفظ شود. برای مبارزه با این روش ما کارگران باید از یکدیگر جدا شویم و با هم متحد شویم. ما کارگران را از اتحادیه‌ها یا سندیکاهای خود جدا کرده و وجود آورده و از تفرقه در میان خود جلوگیری کنید. و در مقابل اتحادیه‌ها و سندیکاهای ضد کارگری کارفرمایان و کارخانه‌داران بزرگ برای حق واقعی خود مبارزه کنید و در مقابل عمال اغلالگر و آشوب طلب که میخواهند انقلاب خلقی و اسلامی ما را از هدف دور و در صفوف انقلاب شکاف ایجاد کنند با استنادگی کرده و اگر چنین اشخاصی در محل کار یا سندیکاها و شوراهای وجود دارند آنها را بیرون کنید.

بسیروز با دا انقلاب خلقی و اسلامی ایران
به رهبری امام خمینی
برقرار با دیرچم اتحاد کارگران مبارز
و وطنپرست



آبادان - محمدرضا سوس ۱۳۵۸/۸/۵

نامه‌ای از صنایع چوب رشت

نامه‌ای داریم از آقای ناصر محمودی نژاد عضو شورای کارخانه صنایع چوب رشت و عضو هیئت مؤسس کنفدراسیون کارگران ایران، که در زیر قسمتهایی از آن را می‌آوریم،

ایشان ضمن اشاره به لزوم ایجاد نمایندگی‌های هیئت مؤسس کنفدراسیون در شهرستانها و برشمردن برخی از وظایف این نمایندگیها و هیئت بازرسان پیشنهاد به هیئت دبیران و همچنین مسئولین

قدردانی از نمایندگان

نامهای از کارگران سیمان نکا

دوستان کارگران از کارخانه سیمان نکا دو نامه برای ما فرستاده اند که ما ضمن تشکر بدلیل محدود بودن صفحات مجله یکی از آنها را چاپ میکنیم.

ما کارگران کارخانه سیمان کرگان - مازندران نکا، قسمت آرما توربندی و قسمتهای دیگر را ر نمایندگان زحمتکش که مدتهاست با جان و دل و صداقت و ایمن برای ما کارگران زحمت کشیده و از هرگونه فداکاری برای ما کارگران در مقابل ظلم و ستم طاغوتیان دریغ نکرده و در مقابل آنها با ساداری کردند بسیار ابرام و آرزوی سلامتی و بیداری ایشان را از درگاه بیزدان پاک خواستاریم.

با تقدیم احترامات - کارگران کارخانه سیمان نکا (قسمت آرما توربندی)
(امضای کارگران)



کوروش صغری
آخرین روزهای یک زندگی سنگین

این نمایندگانها داده اند مبنی بر اینکه از طریق برگزاری جلسات سخنرانی برای کارگران در کارخانه ها هم، لزوم پشتیبانی و عضویت همه کارگران در هیئت موسس کنند را سیون را روشن ساخت، و هم به روشد دانش سیاسی و آگاهی کارگران کمک کرد تا کارگران بتوانند با آگاهی بیشتر از توطئه های ضد انقلابیون و رخنه آنها در صفوف کارگران که باعث تفرقه و جسد دستگی در میان کارگران میشود جلوگیری کنند.



ذغال سنگ زیر آب

نامه زیر را آقای بیزدان لطفی کارگر معدن ذغال سنگ زیر آب فرستاده اند

احتراماً ما اینجانب بیزدان لطفی کارگر شرکت معادن البرز مرکزی با استحضار میرسانم که مرحوم رمضان لطفی (پدر اینجانب) و کارگزار سابق همس شرکت در حین انجام وظیفه دچار سانحه ریزش کوه شد که منجر به فوت وی در تاریخ ۵۶/۷/۲۵ گردید.

از طرف مدیریت مل وقت آقای مهندس آرمان طی نامه ای به اینجانب اعلام شد که بر اساس مصوبه ای از طرف شرکت ملی ذوب آهن ایران مقرر گشته است که به کلیه کارگران در مقابل حوادث کاری مبلغ یکمدهزار تومان تحت عنوان خونیه یا هرنام دیگری بپردازند. این مبلغ جدا از بولی است که از طریق بیمه های اجتماعی بعنوان مستمری به بازماندگان متوفی پرداخت میگردد. بر اساس مصوبه فوق مبلغ ۱۵ هزار تومان از ۱۰۰ هزار تومان به اینجانب بپردازند. ولی تا این تاریخ از پرداخت بقیه آن خودداری گشته است. حال یک سوال پیش می آید، اگر مبلغ فوق قانونی نبود چگونه بخشی از آنرا به اینجانب بپردازند و اگر قانونیست پس چرا از پرداخت بقیه آن (۷۵۰۰۰ تومان) خودداری میکنند. استدعا دارم با چاپ این مطلب توجه مقامات مسئول را به این امر جلب نمائید تا ترتیبی دهند که به آن رسیدگی شود.

نمونه‌ای از استعداد ایرانی

در شماره قبل گزارشی داشتیم از اختراعات کارکنان کارخانه پشم شیشه شیراز که به ابتکار خود بسیاری از دستگاه‌های کارخانه را عوض کرده‌اند. علت این اقدام کارشناسی شرکت فرانسوی سازنده کارخانه بوده که بعد از انقلاب برای صدمه زدن به تولید کلبه نقشه‌ها و لوازم‌بدکی حیا این کارخانه را برداشته و به فرانسه فرار کرده‌اند. کارگران و تکنیسین‌های پشم شیشه برای جلوگیری از خوابیدن کارخانه و بستن کارگران بلافاصله دست‌بکاری شونده و با یکار انداختن قوه خلاقه و ابتکار خود سیستم بسیاری از دستگاه‌ها را عوض می‌کنند بطوری که در موردی از دستگاه‌های اصلی فرانسوی هم پیتر کار می‌کنند و احتیاج به آن لوازم بدکی هم ندارد. در زیر شرح مختصری از یکی از این ابتکارات آورده می‌شود.

آموزش فن و حرفه

سطح درگنا رمخزن آب فرار داده که آنرا **I.c** می‌نامیم این دستگاه با هوا کار می‌کند یعنی جهت تغذیه هوایی معادل **20 Psi** وارد آن می‌شود و بر حسب مقدار سطح مایع در مخزن هوایی بین ۳ تا **15 Psi** خارج می‌شود. این هوارا روی شیر اتوماتیک که آنرا **I.c.v** می‌نامیم وارد می‌کنند. پس با تغییرات هوای خروجی **I.c** شیر **I.c.v** با زوبسته می‌شود.

این مدار کاملاً درست است ولی برای زمانیکه فشار آب همیشه پشت شیر آمده باشد و بسته شدن **I.c.v** به تلمبه یا دستگاه دیگری لطمه نزنند.

در این سیستم لازم است وقتی احتیاج به آب برای مخزن نداریم تلمبه بصورت خودکار خاموش شود. لذا کارخانه سازنده اینطور فکر کرده که اگر یک عدد پرشر یا کلیدی که با کم و زیاد شدن فشار کار کند سر راه لوله ورودی آب به تلمبه قرار دهد وقتی آب مخزن به حد کافی رسید شیر **I.c.v** بسته خواهد شد، در نتیجه چون فشار درون لوله که توسط لوله تولید می‌شود راهی جز برگشت ندارد به پرشر سوئیچ فشار می‌آورد و کلید فشاری به تلمبه فرمان خاموش شدن می‌دهد.

ولی عملاً این سیستم قابل قبول نبود. بدلیل اینکه به محض اینکه تلمبه را روشن می‌کردیم مخزن پر می‌شد و شیر **I.c.v** بسته می‌شد و فشار خیلی زیادی وارد پرشر سوئیچ می‌شد و آنرا خراب می‌کرد. البته تلمبه خاموش می‌شد ولی هرگز بصورت اتوماتیک روشن نمی‌شد چون شیوپ پرشر سوئیچ که از نوع حیوهای هم بود

در قسمت جنرال سرویس وقتی قرار باشد دیگ بخار کار کند احتیاج به آب دارد، البته آب سالم و صاف حتی بدون گاز کربنیک، چون وجود گاز کربنیک در آب در دیگ بخار باعث رسوب می‌شود. جهت این موضوع دستگاه دیگری کنار دیگ بخار قرار داده‌اند نام اسموزر، کار این دستگاه صاف کردن و جدا کردن گاز کربنیک از آب و با لایحه ذخیره کردن آب جهت دیگ بخار می‌باشد.

طرز کار دستگاه چنین است آب ورودی توسط تلمبه‌ای که خوابیده است به چند عدد صافی فرستاده می‌شود. پس از صاف شدن به طرف تانک ذخیره خواهد رفت، ولی قبل از اینکه به تانک برسد وارد مخزن کوچکی که در بالای تانک ذخیره قرار دارد می‌شود. از طرف دیگر در این مسیر بخار وارد می‌کنند. این سیستم بخار طری این است که گاز کربنیک آب گرفته شود. سر راه بخار شیر خودکاری قرار داده‌اند تا زمانیکه فشار بخار در مخزن کوچک کم و زیاد شد این شیر با زوبسته می‌شود. پس بخار بصورت اتوماتیک وارد این دستگاه می‌شود اشکالی هم ایجاد نمی‌کند، ولی اگر مخزن آب از حدی که برایش در نظر گرفته‌اند که معمولاً نصاب بیش از ۲/۳ مخزن آب در آن باشد بیشتر شد یا بدستگاه دیگری باشد که بصورت خودکار جلوی آب را بگیرد و یا بالعکس اگر مخزن خالی تر از حد معمول شد لازم است که مجدداً آب وارد مخزن شود.

کارخانه سازنده که فرانسوی است برای این منظور یک عدد دستگاه **level control** کنترل کننده

التمه بدین صورت که وقتی مخزن آب پر شد **I.C.** حداکثر مقدار یعنی **۱۵ P.S.I** را میسازد و چون پرشرویج روی **۱۵** تنظیم شده به محض اینکه به **۱۵** رسید کلید عمل میکند و تلمبه را از کار می اندازد و بالعکس، وقتی سطح آب در مخزن پائین آمد، هوای خروجی **I.C.** کم میشود و وقتی مثلاً به **۶ P.S.I** رسید پرشرویج به تلمبه فرمان میدهد که روشن شود. در نتیجه سطح آب در مخزن اصلی اسموزر کنترل میشود.

با تغییر پرشرویج ظاهراً دیگر احتیاجی به **I.C.V** که همان شیر خودکار باشد نیست.

التمه اینطور بنظر میرسد که فرانسویها این شیر را برای اینکه بخار درون مخزن کوچک برگشت نکنند و وارد صافی ها نشود گذاشته بودند که آنهم ثابت شد اگر پرشر کنترل با کنترل کننده فشار بخار درست کار نکند هرگز برگشت بخار نخواهیم داشت.

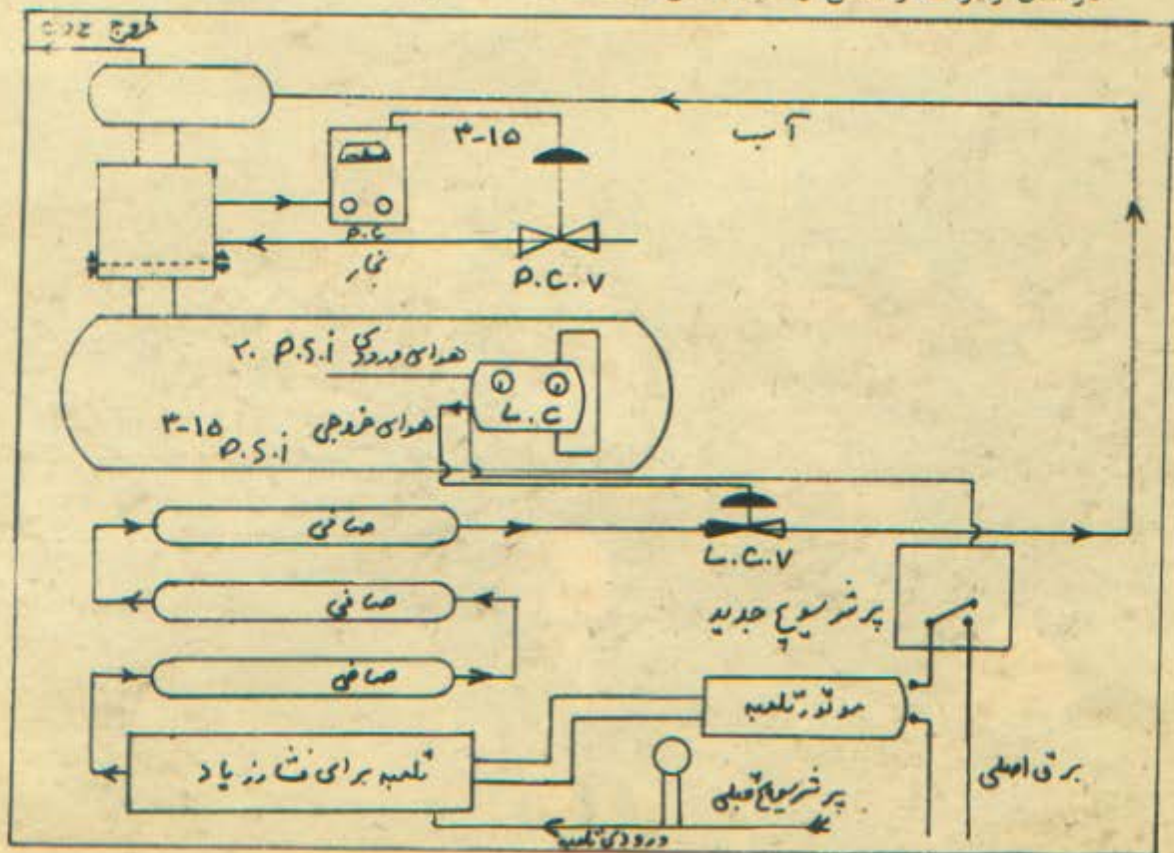
به حالت اولی خود بر نمیگشت. تلمبه ای که در این مسیر بکار برده اند برای فشارهای خیلی زیاد است و پرشرویج حداکثر مقدار آن **۶۰ P.S.I** بود.

ما میتوانستیم پرشرویج دیگری را در مسیر قرار دهیم که حداکثر مقدارش بیشتر از قبلی و در حدود تلمبه باشد، ولی اشکال دیگری که در کار بود چنین بود که اگر کوچکترین نشدی در مسیر بود تلمبه مرتب روشن و خاموش میشد و بطور کلی به دستگاه لطمه وارد میکرد.

غلاصه به این نتیجه رسیدیم که اگر پرشرویج یا کلید فشاری را از سر راه آب ورودی تلمبه برداریم و به جای آن پرشرویج دیگری قرار دهیم و هوای خروجی **I.C.** را وارد آن کنیم و آنرا روی **۱۵ P.S.C** تنظیم کنیم وضع بهتر خواهد شد.

توضیح - **۱۵ P.S.I** که مخزن پر از آب شده و **I.C.** حداکثر هوا را ساخته است. عملاً وقتی اینکار را انجام دادیم دستگاه اسموزر بصورت اتوماتیک بکار افتاد.

در شکل زیر مدار اصلی و تغییراتی که داده شده نشان داده شده است



راهپیمائی کارگران علیه آمریکا

امام خمینی گفته‌هایی از ایشان را بروی پارچه نوشته و حمل می‌کردند. این شعارها عبارت بودند از:

۱- آمریکا از انگلیس بدتر، انگلیس از آمریکا

بدتر، شوروی از هر دو بدتر

۲- رابطه ما با آمریکا و شوروی مثل رابطه بره با گورگ است

۳- اگر برای مبارزه مسلحانه نداریم، سینه و پشت داریم

شرکت فعال کارگران در مبارزه ضد امپریالیستی نشانه روشنی از آگاهی و خواست آنها به تداوم انقلاب است.

شرکت فعال کارگران در مبارزه ضد امپریالیستی نشانه روشنی از آگاهی و خواست آنها به تداوم انقلاب است.



اشغال سفارت آمریکا در تهران، ست‌اوج‌گیری مبارزات ضد امپریالیستی مردم کشور ما گشته است. از همان روز یکشنبه ۱۳ آبان، تظاهرات و راهپیمائی‌های زیادی در مقابل لانه حاسوسی آمریکا سرگزار شد که بیان نفرت و خشم بی اندازه مردم از جنایتها و غارتهاى امپریالیسم آمریکا و نوکوشش شاه‌خائن میباشد. در این تظاهرات گروههای کثیری از کارگران کارخانه‌های مختلف شرکت کردند. منحمله کارگران شرکت حمل و نقل "ایران سرعت" که در مقابل این حاسوس‌خانه به تظاهرات پرداختند. کارکنان این شرکت با الهام از سخنان رهبران انقلاب



عکس از تظاهرات و راهپیمائی کارگران علیه امپریالیسم آمریکا



عکسی از شرکت اعضای هیئت مؤسس کنگه در اسون - بخش خراسان در راهپیمایی وحدت

کره جنوبی

ما گذشته در اثر یک حادثه آتش سوزی در یکی از معادن ذغال سنگ کره جنوبی بیش از صد کارگر در عمق معدن بدام افتادند. گروه امداد موفق شد زندگی ۸۵ کارگر را نجات دهد و حدود ۱۱ نفر نیز از عمق ۴۰۰ متری از زیر خروارها خاک بیرون کشیده شد. گفته می‌شود از سر نوشت ۲۵ معدنکار دیگر هنوز اطلاعی در دست نیست. در سال جاری این چندمین بار است که برای کارگران معادن چنین اتفاقات دردناکی رخ میدهد.

هند

در برخورد بین کارگران و پلیس در دهلی نو ۶ نفر کشته و ۱۵۰ تن زخمی شدند. این حادثه در ماه گذشته ضمن تظاهرات کارگران ناساجی در حومه دهلی نو با بی‌تخت هند روی داد. بدنبال این کشتار کلیه اتحادیه‌های کارگری یک روز از ماه گذشته را بعنوان اعتراض، در اعتصاب عمومی سربردند.

اخبار جهان

اسپانیا

به دعوت اتحادیه‌های کارگری ایالت باسک اسپانیا، بخاطر اعتراض به قتل یک کارگر یک روز - اعتصاب عمومی اعلام شد و در نتیجه اقتصاد این منطقه فلج گردید. این اعتصاب سراسری تمام کارخانه‌های فولاد، بنادر و وسایل نقلیه را در بر گرفت.

بولیوی

بدنبال کودتای ارتش در بولیوی، اتحادیه‌های کارگری این کشور به علامت اعتراض دست به اعتصاب زدند. و درگیری بین کودتاگران و اتحادیه‌ها همچنان ادامه دارد. از چگونگی رهبری این حرکت اتحادیه‌ای اطلاع دقیقی در دست نیست. اما ظاهراً این است که حکومت تازه بولیوی قادر نیست این حرکت را سرکوب کند و با نا دیده بگیرد.

اخبار کنفدراسیون

(هیئت موسس)

خبری از کرگان

کارخانه شرکت شیر منطقه ای فارس رفتیم بعد از تماس با چند کارگر، آگاهی یافتیم که در این کارخانه شورا و سندیکای کارگری موجود نیست، قبلاً یک شورا موجود بوده است که اعضای آن استعفا داده بودند و بعد از این شورا، کارگران اظهار داشتند که کسی حاضر به کاندید شدن برای انتخابات نیست و همچنین شورا برای کارگران کاری نکرده است. ما چند کارگر به سالن غذاخوری (در موقع غذا خوردن کارگران) رفتیم، در آنجا ماطی سخنرانی در مورد لزوم ایجاد سندیکا و همچنین شورا صحبت کردیم و به سئوالات کارگران پاسخ دادیم و تمام کارگران موافقت نمودند که برای ایجاد سندیکای یک درخواست نامه با امضا همه کارگران برای اداره کار و امور اجتماعی بفرستند. در همین جلسه متن درخواست نامه خوانده شد و کلیه کارگران امضا نمودند. و ما هم اکنون در تدارک مجمع عمومی برای انتخابات این کارخانه هستیم.

از بخت ما زندران اطلاع حاصل شد که سندیکای کارگران کارخانجات پنبه پاک کنی کرگان و حومه بعد از مطالعه اساسنامه و منشور هیئت موسس کنفدراسیون کارگران ایران در جهت ایجاد شعبه در ما زندران برای همکاری با و طلب شده اند. لازم به توضیح است که کارگران کارخانه پنبه صنعتی کرگان به تقدم ایجاد این سندیکا بوده اند و برغم مشکلاتی که در راه ایجاد سندیکا های مشترک بین چند کارخانه موجود است، کار خود را با موفقیت پیش برده اند.

در ضمن سندیکای فوق طی اعلامیه ای با دآور شده که حداقل دستمزد از طرف دولت ۵۶۷ ریال تعیین شده تا کارفرمایان نتوانند از نا آگاهی برخی از کارگران سوء استفاده کنند و دستمزد کمتر سپردارند.

فعالیت شعبه شیراز

● آخرین خبر
=====

آخرین خبر رسیده از بخش شیراز حاکیست که سندیکای کارگران هتل کورش که ۴۲۰ نفر در آن کار می کنند به هیئت موسس کنفدراسیون کارگران ایران پیوسته است.

در همین خبر آمده است که کارخانه پشم شیشه شیراز در صدد تجدید تشکیلات است و فعلاً کارگران این کارخانه در حال مطالعه هستند که سندیکا یا شورای خود را تشکیل دهند.

ضمناً سندیکای کارگران کارخانه خوش طعم نیز در حال تأسیس و پیوستن به هیئت موسس کنفدراسیون است.

مسئولین هیئت موسس کنفدراسیون کارگران ایران در شیراز ظرف ماه گذشته به چندین کارخانه و موسسه محمله شرکت شیر منطقه ای فارس، هتل داریوش، مهمانسرای جهانگردی و هتل کورش مراجعه کرده و ضمن همکاری در حل بعضی مسائل کارگری این واحدها جهت همکاری تشکیلاتی با شوراها و سندیکا های شیراز تبادل نظر کرده اند که این گفتگوها در جهت همکاری ادامه دارد.

از میان این واحدها شرکت شیر منطقه ای فارس فاقد تشکیلات کارگری بوده که مسئولین بخش شیراز در جهت ایجاد سندیکا در این واحدها اقدام کرده اند که گزارش زیر در این مورد است.

مشکلات کارگران اخراجی آکام فلز

عده ای از کارگران و تکنیسینهای اخراجی شرکت آکام فلز که پس از مدت‌ها دوندگی و مراجعه به مقامات مختلف برای بازگشت نگارنده‌های نگرفتند، به دبیرخانه هیئت مؤسس کنگفدراسیون کارگران ایران مراجعه کرده و مشکلات خود و علل اخراج و شرایط موجود در شورای کارخانه و حواکم در میان کارگران را توضیح دادند. بطوریکه چنان تبلیغاتی در کارخانه شده که عملاً کارگران در مقابل این عده اخراجی ایستاده و مخالف بازگشت آنان بسرکار هستند. روز بعد کارخانه مراجعه شد، نماینده وزارت کار هم برای رسیدگی بکار حضور داشت و بعد از ساعتها بحث و مذاکره با اعضای شورا بطور مشروط با بازگشت این عده موافقت شد. شرطش هم این بود که در یک جلسه عمومی کارگران با بازگشت آنها موافقت کنند. تا زمان تهیه این گزارش هنوز از تشکیل این جلسه اطلاعی نداریم.

ما امیدواریم کارگران این کارخانه با توجه به واقعیات و تبلیغات سوئی که انجام گرفته در افکار خود تجدید نظر کنند و با استقبال از همکاران اخراجی خود، اینگونه توطئه‌های نفاق افکنانه را در هم شکسته و سرتا اتحاد و همبستگی بین خود بیشتر تکمیل نمایند.

بقیه ضرورت تشکیلات

کارگران با بدضمن با لایردن روحیه طبقاتی و ایجاد تشکیلات مستقل همواره نمونه مبارزه ضد-امپریالیستی و وحدت خلق باشند و در شرایط فعلی مبارزه عمومی و اصلی یعنی مبارزه استقلال طلبانه را در سرلوحه کار خود قرار دهند و صفوف خود را لشکرده نگاه دارند.



آیا میدانی که

هر حرکت انسان نوعی مبارزه است

سواد یادگرفتن، مبارزه با جهل و نادانی است
متورت با دیگران مبارزه‌ای است با اشتباهات گذشته

استفاده از وسایل ایمنی کارگاهی مبارزه‌ای است
برای کاهش سوانح

شرکت در تدوین قانون مبارزه‌ای است برای

کوتاه کردن دست کارفرمایان از نوشتن آن

سیکار کشیدن بمعنی مبارزه با سلامتی است

ایجاد تشکیلات کارگری مبارزه‌ای است علیه تفرقه
در این طبقه

زدن واکسن مبارزه‌ای است علیه بیماریها

تلاش ملت برای سرنگونی شاه بخشی از مبارزه ضد-امپریالیستی آنان بود

بقیه افتتاح شعبه

هما نظریکه ما م گفته است: "اداره موراین مملکت بدست کارگران است." ما کارگران از استان خوزستان که در جلسه افتتاحیه شعبه هیئت مؤسس کنگفدراسیون کارگران ایران شرکت نموده‌ایم، قاطعانه از خط انقلابی ما م بخاطر کوتاه کردن دست تما میکانگان بخصوص آمریکا - شوروی - انگلیس - صهیونیسم، پشتیبانی میکنیم. همچنین از مبارزات ضد امپریالیستی مردممان که با اشغال لانه جاسوسی آمریکا به اوج نوینی رسیده پشتیبانی مینمائیم.

ما کارگران که در این اجتماع شرکت نموده‌ایم بخاطر ادامه انقلاب بطور متشکل خواهان داشتن تشکیلات واقعی خود میباشیم، بهمین مناسبت پشتیبانی خود را از هیئت مؤسس کنگفدراسیون کارگران

ایران اعلام داشته و خواهان ایجاد شعبه هیئت مؤسس کنگفدراسیون در استان خوزستان میباشیم. ما کارگران که در این اجتماع گرد هم آمده‌ایم خواهان بهبود وضع کارگران ایران در تمام زمینه‌ها از جمله حل مسئله بیکاری هستیم.

- درود بر ما م خمینی رهبر انقلاب اسلامی ایران

- پیش بسوی تشکیلات سراسری کارگران ایران

- زنده باد اتحاد و همبستگی کارگران ایران

برای ایجاد ده دستگاه دوش در
کوره‌پزخانه‌های محمودآباد
ما رایاری کنیـــــــــــــــد

کارگران اصلاً درست نیست، چون با تحقیقاتی که کارگران انجام داده‌اند، مواد اولیه کافی در استان تهران موجود است.

با توجه به اینکه در کارخانه‌ها دستگاها بی‌موجود است که در حال حاضر از آنها استفاده نمی‌شود در صورت بکار انداختن این دستگاها مواد اولیه (عالب) که از خارج وارد می‌شود می‌تواند در داخل کارخانه تولید شود. پس علت اصلی کاهش تولید کارخانه، زیاد بودن کاشی در بازار است که این ارباب‌دکاشی در بازار سبب پائین رفتن قیمت تولیدات خواهد شد و کارفرما منتظر روزیست که کاشی کمیاب گردد تا آن موقع تولید را با لایبرد و کاشی زانا چندین برابر قیمت به بازار عرضه کند.

بنابراین با سیاستی که کارفرما پیش گرفته، یعنی پائین آوردن سطح تولید، خطر اخراج دیگر کارگران مانند دوکارگر اخراجی هر روز تشدید می‌شود. پس کارگران باید برای افشای سیاستهای کارفرما و مبارزه علیه توطئه‌های وی از جمله اخراج آنان، در درون تشکیلات خود هر چه بیشتر متحد شده، به نیروی خود تکیه کنند و تمفیه کارخانه را عناصر ضدکارگری و بازگشت کارگران اخراجی را به پیش برند.

فرصت طلبی کارفرما

گزارشی از کارخانه کاشی و سرامیک

طی گزارشی که گروهی از شوراهای کارگری استان فارس نوشته‌اند و مدارکی از کارگران اخراجی کاشی و سرامیک حافظ بدست ما رسید، که گویای همستگی شوراهای کارگری استان فارس با کارگران کارخانه کاشی و سرامیک حافظ است. علت مفضل نبودن گزارشات به جمع‌بندی و ذکر نکاتی از آن می‌برداریم: کارخانه کاشی و سرامیک حافظ با ۴۶۰ کارگر، دارای مسایل و مشکلات مختلفی از جمله پائین آمدن تولید، اخراج کارگران میماید. این کارخانه در دوران طاغوت در یک محیط سرکوب و اختناق توسطه مثنی ارتشی اداره می‌شده است. بطوریکه سرلشکر افتخارزاده، رئیس کارخانه، سرهنگ هادی پور، معاون رئیس، سرگرد کمندی و سروان غروی انتظامات کارخانه را بدست داشتند. استوارکیشان نیز از استوارخیاطی سرنگهان بودند. گروهیان احمد مهدیان سمت کتترلجی را داشت و همکار بازرسی شاهنشاهی تیمسار آریا، که روشن است این کارخانه را بصورت یک پادگان میگردانید.

امروز نیز کارفرما ضمن تائید طریقه اداره کارخانه بشکل سابق، به اخراج کارگر در گذشته توسط ارتشیان صحنه میگذارد و خود سرانجام‌ها و مراجعات مقامات مشغول و توانایی را که برای بازگرداندن کارگران اخراجی بوده پشت‌گوش می‌اندازد و اخیراً "دونفر دیگر از کارگران راهم اخراج کرده و مبارزات کارگران را سرکوب می‌کند و سندی‌کای کارگران را مورد حمله قرار میدهد.

میزان تولید سابقاً "۱۸۰۰۰۰ کاشی در روز بوده است که امروز به گفته کارگران ۴۰ الی ۴۰ هزار و بگفته کارفرما ۱۱۰ تا ۱۲۰ هزار عدد است. علت کاهش تولید را مسئولین کارخانه کمبود مواد اولیه ذکر می‌کنند. در صورتیکه این دلیل بنظر



مادر کار میکند و کودکش تمرین کار

اعضای هیئت موسس حضور داشته و جهت احقاق حقوق کارگران و بازگرداندن آقای سهراب قزوینی بر سر کار فعالیت کرده‌اند.

یک واقعه، امیدوارکننده و قابل ذکر، پشتیبانی کارگران یک واحد تولیدی دیگر بنام مرغ کدخدا بوده است که مصرا "خواستار بازگرداندن آقای سهراب قزوینی به سرکار و ادامه فعالیتش در شورا بوده‌اند. موفقیت این واحد تولیدی را به آقای سهراب قزوینی و دیگر دوستانش تبریک می‌گوئیم.

۳- واحد تولیدی دیگری که کارگران آن خواسته‌هایی به حق داشته‌اند و دارند مرغ کدخداست کارگران این واحد تولیدی مرغ و تخم مرغ، وقتی خواستند تشکیلات واقعی خود را درست کنند با مخالفت کارفرما مواجه شدند و مجبور شدند برای ادامه مبارزه و احقاق حقوق خود به تهران بیایند که خبر مفصل آن در گزارشی جداگانه آمده است.



خواست کارگران شیلات گرگان

سندیکای کارگران شیلات ناحیه ۴ گرگان طی نامه‌ای از دادستان انقلابی شهرستان گرگان خواست تا بوضع هیئت مدیره و مدیرعامل اداره دولتی شیلات که آلت دست بودجویان و چپا و لگران بیت المال قرار گرفته رسیدگی نماید زیرا نمیتواند بطور قاطع و انقلابی عمل کند و به خواسته‌های بحق کارگران جامعه عمل بپوشاند. از طرف دیگر ۸ نفر از اعضای شورای شیلات با بلسررا بدون عذر موجهی برکنار نموده و اجباراً آنها را به تهران و بندرانزلی منتقل کرده‌است. در نامه سندیکا خواسته‌های زیر هم عنوان شده است:

۱- افزایش دستمزد کارگران از اول مهر ماه ۵۷ به استناد تصویب نامه ۷۴۶۲۶ - ۵۷/۲/۲۵ که در سطح موسسات دولتی اجرا شده.

ورق بزنید

چند خبر کوتاه

مجمع‌های طیور که تولید مرغ و تخم مرغ را در نقاط مختلف کشور به عهده دارند، اکثراً "از نظر بهداشتی و رفاهی وضعیت نامساعدی دارند. کارگران این واحدها از نظر قوانین مربوط به کار نیز با مشکلات فراوانی دست به‌گیرسانند. از جمله اینکه آنها زیر پوشش قوانین کارعادی نمی‌باشند و قانون کار کشتا و رزی در مورد آنها اجرا نمی‌شود. آنها نه به صورت کامل.

در دیداری که از چند مجمع طیور واقع در حوالی شهرستان قزوین داشته‌ایم، اکثریت آنها از عمومی-ترین مزایای بهداشتی و رفاهی بی‌نصیب بودند. و حتی در بعضی از واحدها از ایجاد تشکیلات واقعی و قانونی کارگران جلوگیری می‌شد.

۱- مجمع طیور برکت یک واحد تولیدی مرغ و تخم مرغ است که در جنوب آبیگ قزوین قرار دارد. صاحب آن کاشانی سرمایه‌دار معروف است که در شماره‌های پیش مطالبی راجع به او داشته‌ایم. این واحد تولیدی شورایی دارد که کارگران مجمع اعضای آن می‌باشند. در مبارزاتی که تا بحال جهت احقاق حقوق خود داشته‌اند موفق بوده‌اند تا رسانی‌هایی در کارشان وجود دارد. مشکلاتی دارند. امید موفقیت بیشترشان را داریم.

۲- مجمع طیور سمرق در جاده قزوین - بوئین زهرا (نزدیک بوئین زهرا) واقع است. کارگران آن در جریان تشکیل شورای کارگری مبارزاتی داشته‌اند که "موفقیت آمیز بوده است. در جریان این مبارزات یکی از اعضای فعال شورا بنام آقای سهراب قزوینی بازداشت شد. لکن کارگران مجمع و حتی مردم روستاهای اطراف بوئین زهرا از بی‌توجهی و بی‌توانی در میان‌بانی و پشتیبانی آنها بعد از یک شبانه‌روز ایشان آزاد شد و به سرکار خود با زکشت. در جریان این بازداشت

بقیه از صفحه قبل

- ۲- پرداخت مزایای ۲۰٪ نوارمرزی کارگران جزیره آشوراده
- ۳- استخدام رسمی ۱۲۷ نفر کارگران فعلی و قراردادی که هریک ۵ الی ۱۵ سال تمام در این اداره مشغول کارند در صورتیکه موسسات دولتی کارگرانی را که ۲ سال بطور مدام مشغول به کار باشند بطور رسمی استخدام میکنند.
- ۴- خرید و دستگاہ مینی بوس جهت ایاب وذهاب کارکنان و محصلین.
- ۵- احداث بیمارستان در جزیره آشوراده (تذکر اینک که ماهانه ۲۵۰ هزار تومان با است بیمه از کارگران کسر میشود)
- ۶- یکسان کردن حق ماوریت کارگران نوکارمندان
- ۷- احداث مسکن برای کارکنان و کارگران آشوراده و تعمیر منازل فعلی کارگران
- ۸- انتقال دفتر هیئت مدیره از تهران به شمال به منظور تسریع کارها.
- ۹- پاکسازی شیلات از بقایای رژیم سابق و کسانی که احساس مسئولیت نمیکند.

❖ عقب نشینی کارفرما ❖

گزارشی از ساری

کارخانه آرد جعفریان در ۷ کیلومتری ساری واقع شده است. دارای ۷۰ کارگر بوده و تولید آن آرد و سیوس میباشد. این کارخانه در اثر اعمال نفوذ صاحب کارخانه و مدیرعامل در رژیم گذشته و با گرفتن وامهای کلان دولتی احداث شده و اکنون مبلغ هنگفتی به بانکها بدهکار است. در زمان انقلاب کارگران با ایجاد کمیته کارگری به پیروی از دستور امام مبنی بر اینکه کارخانجات تولیدغذائی نباید اعتصاب کنند به کار ادامه دادند. نمایندگان کارگران با مدیرعامل مذاکراتی در جهت گرفتن خواستهای کارگران انجام دادند ولی مدیرعامل بجای برآوردن خواستها شروع به توطئه و تحریک

کرده و سعی در تفرقه اندازی بوسیله ایادی مزدور خودش نمود و ۵ نفر از فعالین را اخراج کرد. ولی بقیه کارگران به پشتیبانی آنها برخاسته و مدیرعامل محبوس به عقب نشینی شد و شکست مفتضحی خورد و حق مسکن به کارگران پرداخت گردید و کارگران مدیرعامل را به کارخانه راه ندادند ولی او در دفتر شهریه توطئه جینی ادامه میدهد و صاحب کارخانه هم بیشتر اوقات خودش را در اروپا به عیاشی میگذراند کارگران کار میکنند، تولید میکنند، صاحب کارخانه باید دسترنج کارگران را در اروپا خرج کند.

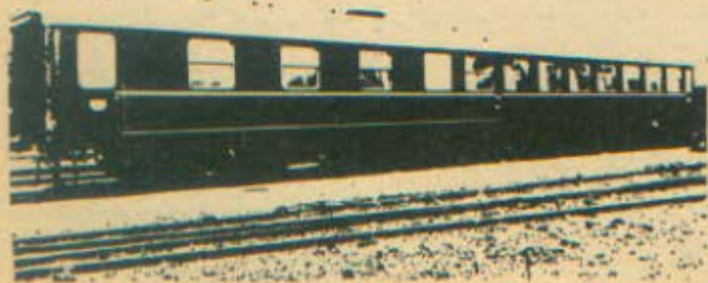
خواستهای فعلی کارگران بقرا زیر است:

۱- پرداخت ماهانه تفاوت حقوق بر طبق بخشنامه وزارت کار که در اثر اعمال نفوذ کارفرما در اداره کار روستایی با رئیس سابق اداره کار ساری براساس ۳۰۵ ریال تعیین شد.

۲- در رژیم سرنگون شده، کارفرما به هر دردی میزد پول تهیه میکرد و گندم برای کارخانه میآورد در صورتیکه حالا تولید را با شش آورده و نرخ را بالا برده تا بتواند روحیه کارگران را تضعیف کرده و به عنوان کارگر اضافی آنها را اخراج کند و از طرف دیگر با رضائی را درجا معسدها من زده و کمک به ضد انقلاب نماید.

۳- کارگران درخواست کرده اند که مدیرعامل ضدکارگر و ضد دین نکلی از شرکت اخراج شود تا بتوانند تولید را بدون اختلالگری عوامل ضد انقلاب بالا ببرند.

در تمایسی که نمایندگان کارگران با معاون مدیرکل اداره کار استان مازندران گرفتند ایشان قول دادند که در جهت انجام این خواستها همکاری کنند.



خرج رفت و آدم می شود، یعنی با ۴۰۰ تومان سه نفر آدم با بدبک ما را سرکنند، آنقدر قرض کرده ام که دیگر حالت می کشم.



این بخش از گزارش، اختصاص دارد به گفتگو با سوزن بانان، مانورچی ها، ترمزبانان و کارگران خط (معروف به سیل و کلتکیها) که همگی جزو کارگران فنی بهره برداری راه میباشند.

علی اکبر صاحب دل عضو شورا درباره سوزن بانها میگوید: "کار سوزن بان، هدایت قطار از خطی به خط دیگر است، و کوچکترین اشتباه در این کار باعث برخورد دو قطار میشود، و یا زنبودن امکانات رفاهی در طول خط شکایت داشت."

بدالله فیروزی کارمانورچی را اینگونه توضیح داد: "مانورچی مسئول تنظیم مانور قطار و جا بجا کردن قلابها است مانورچی مجبور است در حالیکه قطار در حرکت است بالای آن بریده و کار خطرناک خود را انجام داده و دوباره حین حرکت از قطار یا شین بپرد به همین دلیل جانش همیشه در خطراست و اغلب دچار حادثه میشوند."

عضو دیگر شورا با زاحمدی میگوید کار ترمزبانها مراقبت قطار در طول راه است. مانند کفش خط گذاشت روی خط و مراقبت از علامتها و کنترل انتهای قطار و جلوگیری از فرار قطار در توقفهای اضطراری.

وی همچنین در مورد مسئولیت رئیس قطارهای باری میگوید: "رئیس قطار مسئول تجهیزات قطار و کنترل فنی و محمولات و باربندیها است. و در قطارهای باری با شرایط سخت مجبور است در سفرهای ۱۵ ساعته در محلی معروف به تانبوت ایستاده که در واقع تا یکی نیم متری است سرپا در زمستان و تابستان خدمت کند لطفاً ورق بزنید

میگوید که: "غیر از مشکل مسکن و درمان در حال حاضر بنا را حتی بزرگ ما ساعت کار و میزان پرداخت اضافه کاری است. با اینکه ما محبوریم روزانه بیش از ۱۲ ساعت مدام کار کنیم حتی روزهای عید و قتل و جمعه ولی بماند اضافه کاری نمیدهند. ما هر کدام ماهانه حدود ۱۸۰ ساعت اضافه کاری داریم که پول آنرا برای ۶ ماه اول سال ۸۵ برای شش ماه دوم ۴۰ ساعت حساب و پرداخت میکنند. در زمان شاه مخلوع بابت اضافه کاری ماهانه حداقل نپصد تومان میگرفتیم. ولی بعد از انقلاب مدتی به ما ۴۸۰ تومان دادند و تازه قرار است از این بجز ۵۶۰ تومان بدهند."



در مورد مشکلات زندگی و رابطه اش با دستمزدهای پایین کارگران آقای جزعلی دهقانی میگوید: "من ۵۰۰ هزار تومان دارم، ماهی ۲۵۰۰ تومان با اضافه کار و مزایا میگیرم، از این پول باید هزار و صد تومان هم بابت خانه بدهم، این است که برای حفظ آبرو محبوریم به نان خالی قناعت کنیم."

حسنعلی صفری هم زن و بچه دارد و ماهی ۱۰۰۰ تومان بابت قسط یک خانه ۴۰ متری دواتا که با برداشتن مشترکاً در آن زندگی میکند میپردازد.

آقای بیوک احرسی ۴۵ ساله میگوید: "من قبلاً هم اینها نزدیک به ۵ سال کار میکردم که بدلیل ما زاد بیرونم کردند، الان ۴ ماه است که دوباره اینجا کار میکنم، ۱۰۸۰۰ تومان حقوق میگیرم."

سردرد دل که بازمیشود آقای بهلول دادخواه نیز میگوید: "من با این حقوق علاوه بر خرج زن و بچه باید ۵۰۰ تومان هم اجاره خانه بدهم، ۱۲۰۰ تومان هم

۲- ایمنی و حفاظت جانی

کارگران از نبودن افراد مسلح در قطارهای باری و میگفتند چنانچه در بین راه خطری آنها را تهدید کند کسی برای مراقبت از جان آنها وجود ندارد. از طرف دیگر کمبود وسایل ایمنی مانند کفش و لباس ایمنی

لباس مخصوص و کمکهای اولیه نیز از جمله مشکلات کارگران است. برای مثال چندی پیش به علت نداشتن آمبولانس در محل کار، کارگری بنام محمد منفرد که زیر قطار رقت چون بموقع به دکتر نرسید جان سپرد. ماه پیش هم کارگری که نزدیک بازنشنگی بود به علت ماندن بین دو قطار و نرسیدن آمبولانس جان داد.

۳- کار طاقت فرسا و کمبود نیروی کار

ایاز محمدی میگفت ۱۰ سال پیش در این قسمت ۲۷۵ نفر کار میکردند، اکنون با توجه به گسترش کار فنی ۱۰۱ نفر هستیم. ۱۰ سال قبل روزی ۱۲ قطار را راه می-انداختیم امروز ۲۴ قطار را و همه این فشارها را در زمانی متحمل میشویم که این همه بیکار در کشور وجود دارد.

بعضی خواسته های کارگران راه آهن

۱- پاک سازی

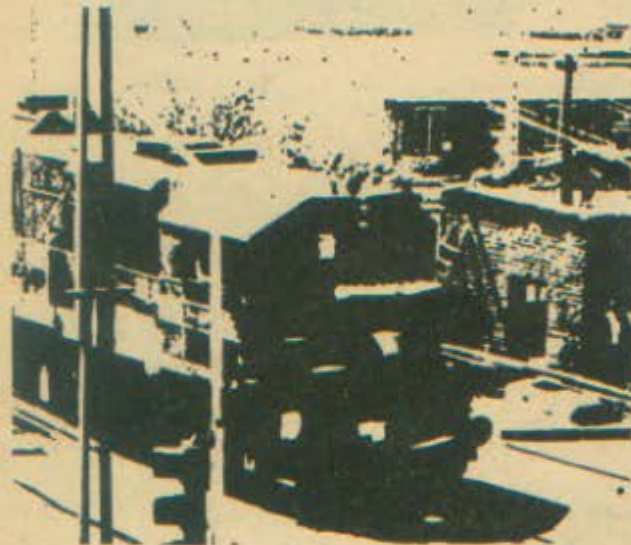
سید عبدالوهاب حسینی ما نورچی میگوید: " در راه آهن تا بحال پاک سازی نشده و همان مسئولین سابق همچنان سرکارند و هیچ توجهی هم به وضع ما ندارند اکثر کارگران خواهان پاک سازی راه آهن از عناصر



فاسد و فاسد مردمی هستند." وی ضمن اشاره به انگشت قطع شده دستش میگوید: "من آنرا حین کار از دست دادم موقعی که به رئیس ناحیه مرا جعه کردم در جوابم گفت: کی به تو گفته بود جلوی فرار قطار را بگیری آقای حسینی از میلیونها تومان ماشین آلات و سرمایه های سخن میگفت که را کدما نده است.

یکی دیگر از کارگران میگفت که بعضی از روه سا کارگران خط را بعنوان نوکرو آشپزخانه خود می برند و از آن استفاده میکنند.

در جای دیگر کارگران اشاره میکنند که روه سا خیلی دوست دارند که به ما فشار برسانند تا اعتصاب کنیم ولی ما با تمام مشکلات بکارمان ادامه میدهیم و با جنگ و دندان نمیگذاریم کار متوقف شود. البته در مقابل توضیح داده ایم که باید هر چه جدی تر موضع ما رسیدگی شود.



۴- اقتصادی

کارگران از کمبود حقوق شکایت دارند و به این نکته اشاره میکنند که افراد شیفتهی ماهانه ۷۲ ساعت بیش از معمول کار میکنند و آنهم بیشتر در شب بدون آنکه اضافه کاری به آنها تعلق گیرد.

چند پیام



ما گذشته دبیرخانه هیئت موسس کنفدراسیون پیام‌های در رابطه با ترور آیت‌الله طباطبایی و بمناسبت ۱۳ آبان روز دانش‌آموز و اشغال لانه جاسوسی آمریکا و شهادت دکتر سیدحسین فاطمی صادر کرد که بعضاً "در رسانه‌های گروهی منعکس شد:

متن پیام به مناسبت تصرف سفارت آمریکا بشرح زیر است:
بار دیگر خلق ما خروشید و بی‌خاست تا مشیت محکمی بردها ن امپریالیسم آمریکا این دشمن غمدار خلق ایران بکوبد و پایگاه‌های جاسوسی را برچیند.
جوانان دانشجوی انقلابی و وطنمان که در اشغال سفارت آمریکا پیشقدم بودند، ثابت کردند که ملت ما دیگر حاضر نیست زیر بار ابرقدرتها برود و این هشدار است به آنها تا بخود آیند و از توطئه و فتنه - انگیزی علیه مصالح و منافع ملت ما دست بردارند.

هیئت مؤسس کنفدراسیون کارگران ایران این عمل انقلابی و ضدا امپریالیستی جوانان دانشجو را که با پشتیبانی قاطع ملت مبارز ایران همراه است، تأیید کرده و معتقد است که وحدت و یکپارچگی تمام خلق، هشیاری و آگاهی مردم و بسیج و آمادگی ملت برای درهم شکستن هر نوع توطئه و دخالت امپریالیستهای شرق و غرب از مناسبات اساسی حفظ استقلال میهن و ادامه پیروزمندان انقلاب است.

زنده باد اتحاد ضدا امپریالیستی ملت بیدار ایران
زنده باد همبستگی مبارزه جوانان کارگران و دانشجویان میهن پرست ایران
مرگ بر امپریالیسم جنایتکار آمریکا

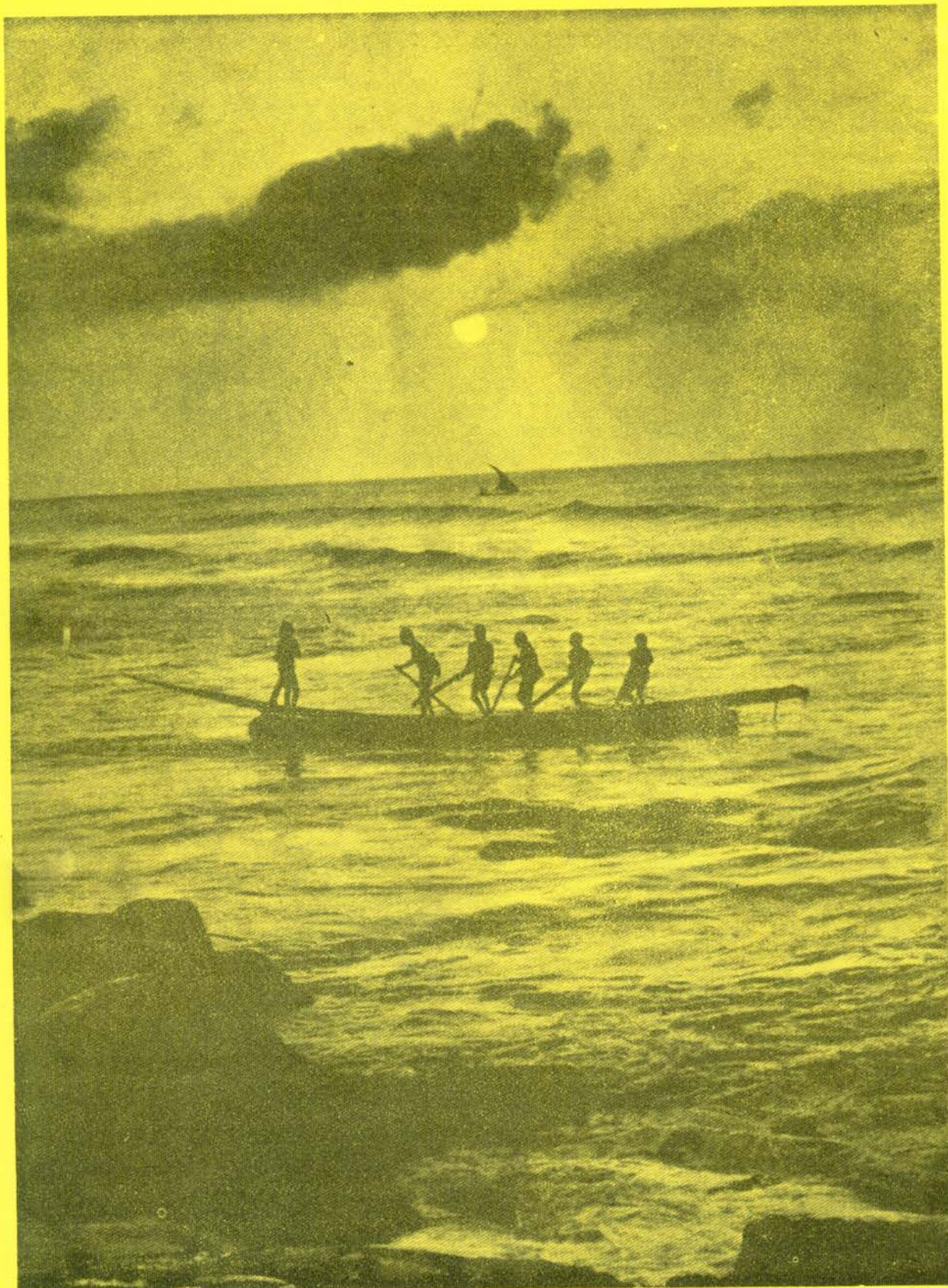
دبیرخانه هیئت مؤسس کنفدراسیون کارگران ایران

در رابطه با ترور آیت‌الله طباطبایی آمده بود: "هیئت موسس کنفدراسیون ضمن محکوم نمودن ترور آیت‌الله طباطبایی این حادثه تا سفاکانه را بر ابرهیری انقلاب و عموم ملت مبارز ایران تسلیت گفته و اعلام میدارد که این گونه حوادث برخلاف تصور ضدا انقلاب، عرم‌نوده‌های میلیونی را در جهت پیشبرد انقلاب را سخت می‌نماید."

ضمناً "در مراسمی که بمناسبت سالگرد شهید دکتر حسین فاطمی در سالن کتابخانه، مرکزی دانشگاه تهران برگزار شد. و گروه‌های مختلف شرکت داشتند، هیئت موسس نیز شرکت کرد و کارگرمی به نمایندگی، پیام هیئت موسس را قرائت نمود.

در قسمتی از پیام آمده بود: "شهید دکتر حسین فاطمی، وزیر خارجه دولت ملی دکتر محمد مصدق میهن پرستی راستین و مبارزی پرشور بود که تا پای جان از خواسته‌های خلق برای کسب استقلال و آزادی و علیه امپریالیسم و استبداد حاکم دفاع کرد. او بود که در راه مبارزه ضدا امپریالیستی برای اولین بار پیشنهاد ملی شدن صنایع نفت را مطرح کرد.





۲۵ ریال

نشانی: خیابان طالقانی (تخت جمشید) بین حافظ و مصدق پلاک ۱۴۳ - تلفن ۶۶۲۲۷۹